



لانه جاسوس ها

واکاوی اسناد لانه جاسوسی پیرامون حکومت پهلوی و انقلاب اسلامی

جلد اول

مؤلف: بهزاد زاهدی اصل

شناسنامه

عنوان: لانه جاسوس ها (دراکازی استاد لانه جاسوسی پیرامون حکومت پهلوی و انقلاب اسلامی)

مؤلف: بهزاد زاهدی اصل

مجری طرح: سازمان مدارس علوم و معارف اسلامی صدرا

ناشر:

طراحی و صفحه آرایی: روح الله اسلامی خطیر

چاپخانه:

نوبت / تاریخ چاپ:

شمارگان:

هرگونه کپی برداری از مطالب این کتاب موجب خوشحالی و رضایت ماست.

فهرست

- اشاره ۵
- مقدمه ۹
- الف: جاسوسی با نفوذی‌های متعدد ۱۱
- ب: وجود دو مهر جعلی فرودگاه در سفارت ۱۲
- ج: جعل پاسپورت و مهر فرودگاه‌های دیگر کشورها ۱۵
- د: جاسوسی از نهاد های امنیتی و نظامی ۱۹
- ه: صدور ویزا به شرط جاسوسی ۲۱
- بخش اول : سیطره و تسلط آمریکا در دوره طاغوت ۲۵
- فصل اول: سیطره و تسلط آمریکا بر ساخت سیاسی ۳۱
- فصل دوم: سیطره و تسلط بر ساخت اقتصادی ۴۵
- نفت ۵۴
- شبکه قاچاق ارز تقلبی ۵۷
- فصل سوم: سیطره و تسلط بر ساخت نظامی ایران ۶۱
- طرح امنیتی IBEX ۶۹
- ساواک ۷۴
- نیروهای مسلح بعد از انقلاب ۷۶
- فصل چهارم: سیطره و تسلط بر امور خارجه ۸۳
- ماجرای ویتنام ۸۷
- بخش دوم: انقلاب در اسناد لانه جاسوسی ۸۹
- بررسی نهضت تشیع ۹۶
- تجدید حیات و احیای بنیادگرایی اسلامی در ایران ۱۰۸



اشاره

مطالعهٔ تاریخ و حوادث تاریخی با رویکردهای متفاوتی قابل بررسی است. گاهی با تاریخ - نقلی به دنبال آن هستیم که چه چیزی در گذشته اتفاق افتاده است. برای مثال گاهی بررسی می‌شود که آیا سفارت آمریکا در ایران کار جاسوسی نیز می‌کرد یا خیر؟! و گاهی با روش تاریخی - علمی به دنبال کشف قواعد حاکم بر عمل یک گروه در طول تاریخ هستیم. در این رویکرد به دنبال این هستیم که لانهٔ جاسوسی آمریکا در ایران چگونه و طبق چه قواعدی جاسوسی می‌کرد و چه اهدافی را در جاسوسی‌ها دنبال می‌کرد؟



تاریخ اگر به صرف روش اول مطالعه شود ثمره و فایده‌ای برای نسل‌های بعد از آن نخواهد داشت و صرفاً یک آگاهی است؛ اما در صورتی که با روش دوم به مطالعه تاریخ بپردازیم با کشف قواعد و اهداف گروه‌ها و اجتماع‌ها می‌توانیم از تاریخ عبرت بگیریم و این‌گونه است که به آیه قرآن که فرمود: «فاعتبروا یا اولی الالباب» عمل کرده‌ایم.

فایده عبرت گرفتن از تاریخ ایجاد یک تجربه فعال است. تجربه‌ای که از حوادث مختلف در ارتباط با آمریکا برای جامعه ما حاصل می‌شود، می‌تواند نسل‌های بعدی را از آسیب‌های احتمالی مصون دارد و چنان قدرت تجزیه و تحلیلی به جامعه اعطا کند که در حوادث مشابه بتوانند بهترین تصمیم را برای مقابله اتخاذ کنند. با این روش می‌توان قواعد و اهدافی را که آمریکایی‌ها برای جامعه ایران در نظر داشته‌اند شناخت و این‌چنین است که بصیرت اجتماعی افزایش می‌یابد.

مطالعه اسناد لانه جاسوسی در اثر پیش رو به قصد مطالعه علمی تاریخ، تحقیق شده است تا مخاطب با توجه به اسنادی که از خود آمریکا به دست آمده است با قواعد و اهداف و روش آمریکای جهان‌خوار آشنا شود و با ایجاد تجربه فعال و افزایش بصیرت در مقابله با آمریکا بهترین تصمیم‌ها و عملکرد را داشته باشد. آنچه در این



کتاب سعی شده است از اسناد لانه جاسوسی به دست آید مبحث مهم نفوذ آمریکا در ایران است؛ نفوذی که برای اهدافی مهم و اساسی طبق منافع دولت آمریکا شکل گرفته است و طبیعتاً منافع مردم عزیز کشورمان در آن لحاظ نشده است.

کتاب حاضر از یک مقدمه و چهار بخش اساسی و چندین فصل تشکیل شده است. در مقدمه این سوال مهم که «آیا سفارت آمریکا حقیقتاً لانه جاسوسی بوده است یا اینکه اتهامی بدون سند می باشد؟» مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس در بخش اول به مقوله نفوذ و تسلط آمریکا در دوران طاغوت می پردازیم، در بخش دوم به انقلاب اسلامی و عامل اصلی نهضت اشاره خواهیم کرد و در بخش سوم به نفوذ در دوران انقلاب اسلامی می پردازیم. در بخش آخر هم به ارائه توطئه و نقشه خطرناک لانه جاسوسی برای براندازی نظام اشاره خواهیم کرد.

امیدواریم که این اثر بتواند در ارتقاء بصیرت اجتماعی ملت شریف ایران در مقابل آمریکای جهان خوار کمکی درخور توجه کرده باشد.



مقدمه:

در ارتباط کشورهای مختلف با هم و برای ورود به کشور دیگر قواعد و قوانین متفاوتی وجود دارد. اتباع یک کشور غریبه بدون اجازه حق ورود به کشور دیگر را ندارند و حتماً باید اجازه‌نامه (ویزا) و روادید اخذ کنند. از آنجا که این قوانین با توافق کشورها وضع می‌شود، هر کشوری سعی دارد دفتری در کشور دیگر داشته باشد تا برای برقراری ارتباطها و همچنین صدور روادید کاربرد داشته باشد. این دفاتر که با عنوان سفارتخانه یا کنسول‌گری شناخته می‌شوند چند وظیفه اصلی دارند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. سفارتخانه در کشور میزبان نسبت به منافع سیاسی و اقتصادی و معنوی مسئول است و باید



برای حفظ و حراست از آنها با دولت خود در تماس و هماهنگی باشد.

۲. مشاوره با دولت خود در خصوص فرصت‌های همکاری اعم از تجاری، سیاسی، اقتصادی و

۳. صدور روادید و ویزا برای متقاضیانی که قصد ورود به کشور آنها را دارند.

۴. کمک‌رسانی و ارائه خدمات دولتی به اتباع خود در کشور میزبان؛ مثل صدور یا تمدید گذرنامه، ثبت ازدواج و تولدها و امور تحصیلی محصلین اتباع خود.

آنچه از وظایف سفارتخانه‌ها و اعضای سفارت می‌باشد این است که حق دخالت در امور داخلی کشور میزبان و جمع‌آوری اطلاعات محرمانه و حساس آنها را ندارند؛ همچنین سعی و تلاش در جهت صدمه و آسیب یا براندازی دولت میزبان برای آنها ممنوع و معارض با قوانین بین‌المللی است.

در ذهن مردم مفهومی جای گرفته است که سفارت هر کشور جزو خاک آن کشور است؛ در حالی که چنین حق قانونی‌ای وجود ندارد و سفارتخانه‌ها جزو خاک کشور میزبان هستند و فقط برای انجام وظایفشان در اختیار کشور مهمان قرار گرفته است. شاید دلیل وجود این توهم در ذهن مردم این بوده است که سفیر و اعضا سفارت دارای مصونیت دیپلماتیک هستند؛ به این بیان که اگر خلافتی از آنها سر بزند دولت میزبان فقط اجازه دارد شخص را از آن کشور





اخراج کند.

با توجه به توضیحات بالا باید جواب این سوال مهم را کشف کنیم که آیا سفارت آمریکا در محدوده وظایف قانونی خودش عمل می‌کرد یا اینکه در پی اعمال خلاف قوانین و جاسوسی و صدمه زدن به کشور جمهوری اسلامی ایران بوده است؟

با مطالعه متن کتاب این مسئله واضح و روشن خواهد شد؛ اما در همین ابتدای کار به چند مورد از اسناد لانه جاسوسی اشاره می‌کنیم تا جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نماند که لانه جاسوسی مکانی برای اجرای خیانت‌ها و دخالت‌های بی‌شرمانه آمریکا در ایران بوده است و بعد از تصرف این لانه فساد توسط دانشجویان، این سخن امام خمینی که فرمودند: «انقلاب دوم اتفاق افتاده است.» به حق بوده است؛ زیرا دشمن مردم ایران با تسخیر لانه جاسوسی از کشور اخراج شد.

الف: جاسوسی با نفوذی‌های متعدد

«اطلاعات زیر توسط یک منبع به Ro رسیده است. این اطلاعات از یک مهمانی شام که توسط دوستش از وزارت دادگستری در روز ۳ آوریل برگزار شد کسب شده است. مهمانان غیر از منبع یک تاجر ایرانی، دو ستوان پلیس، یک سروان پلیس و یک سرگرد دریایی بوده‌اند. در این مهمانی صحبت زیادی در مورد مسائل کلی و سیاسی و در مواردی که در مورد پلیس و نظم در ارتش است شد. (محرمانه شماره





۶۶۰۱۶۰ تاریخ ۴ آوریل (۷۹) و ادامه می دهند: «این گزارش منطبق با گزارشاتی است که ۳ منبع دیگر که در محل بوده‌اند به ما گزارش داده‌اند.»^۱

در حقیقت در آن مهمانی چهار منبع سفارت و در خدمت امپریالیسم و شیطان بزرگ وجود داشته است که هر کدام جداگانه و بدون اطلاع یکدیگر گزارشات خود را به سفارت داده‌اند. واضح است که این شکل جمع‌آوری اطلاعات و به کارگیری افراد متفاوت برای رسیدن به خبرهای داخلی یک کشور کاری به جز جاسوسی نیست.

ب: وجود دو مهر جعلی فرودگاه در سفارت

در یکی از بیانیه‌های دانشجویان خط امام که لانه جاسوسی را تصرف کرده بودند به یک مسئله مهم اشاره کرده‌اند که دلالت بر این دارد که سفارت برای ارتکاب اعمال جاسوسی خود مهرهای فرودگاه ایران را در اختیار داشته است. متن بیانیه را در زیر برای شما آورده ایم.

«بسم الله الرحمن الرحيم. در افشاگری‌های قبل نوشتیم که تنها راه رهایی انقلاب‌های آزادی بخش، خارج شدن از مدار روابط سلطه بین ابرقدرت‌ها و خلق ستم دیده است. در همان جا یادآور شدیم که جاسوس‌خانه امپریالیست‌ها مرکز توطئه و سازمان

۱- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۹۰



دادن ضد انقلاب است و نظر خود را مبنی بر مشروعیت و قانونی بودن تسخیر اجتناب ناپذیر جاسوس‌خانه آمریکا عرضه کردیم. اینک مدارکی را در معرض افکار عمومی قرار می‌دهیم که حتی ساده اندیشان را یقین حاصل آید که جز با بستن بی‌چون و چرای سفارتخانه آمریکا راه دیگری برای جلوگیری از توطئه و فساد نیست.

در اتاقک پشت اتاق ۲۲۵ ساختمان مرکزی سفارت، باقیمانده وسایل نابود شده‌ای به‌دست آمد که یقین حاصل شد در این بخش به جعل اسناد و مهر می‌پرداخته‌اند. در میان اشیاء درهم پاشیده، پاکتی را حاوی دو مهر یافتیم. همان طور که از کلیشه و عکس برمی‌آید دو مهر مذکور، مخصوص پاسپورت است که در موقع ورود و خروج افراد از مرزهای کشور باید پاسپورت‌ها ممهور به آن مهر باشند. بنا به ادعای مقامات مهرآباد این مهرها فقط در اداره به‌خصوصی در جنب فرودگاه موجود است و مهرهای موجود در سفارت یا دزدی است یا جعلی. در پاکت مهرها صفحه‌ای که شامل تمام ترکیبات اعداد برای تاریخ است نیز پیدا شد. از شکل ظاهری مهرها برمی‌آید که بارها از آنها استفاده شده است.

اما مسئله این است که این مهرها به چه کار می‌آیند؟ واضح است که هر مسافر ایرانی یا خارجی مجبور است پاسپورت خود را با این مهرها ممهور کند. هرگاه دزد، قاچاقچی یا جاسوسی از مرز وارد شود در هر نقطه امکان گرفتاری او می‌رود ولی یک



مهر ورودی مهرآباد پاسپورت او را قانونی می‌کند. همچنین ممنوع الخروج‌ها می‌توانند با مهر خروجی از مرز بگریزند و در خارج با پاسپورت قانونی ایران مسافرت کنند و... .

حال این سؤال پیش می‌آید که چرا این دو مهر در سفارت سابق آمریکا پیدا شده‌اند؟ جواب این سؤال با دولت و مردم آمریکاست. دولت آمریکا باید به این سؤال جواب دهد که چرا اجازه داده است سفرا و نمایندگان او در کشورهای دیگر دنیا دست به تقلب و جعل بزنند؟ البته ممکن است بگوییم این مهرها از زمان رژیم سابق در اینجا بوده و تاکنون مانده است؛ ولی جواب این هم واضح است. اولاً: در رژیم سابق این کار لازم نبود چون نه تنها در فرودگاه بین‌المللی مهرآباد بلکه در تمام ارگان‌های مهم مملکتی عمال آمریکایی از خود ایرانیان، مقدم‌تر و محترم‌تر بودند و از آن گذشته در آن زمان ایادی آمریکا و مزدوران سیا خود در رأس کارها بودند و احتیاج به چنین کاری نبود.

ثانیا: اگر احتمال داده شود که مهرها از آن زمان تا کنون در سفارت موجود بوده است، خلاف بسیار بزرگی است که از جانب لانه جاسوسی سرزده است؛ زیرا مردم انقلاب کردند تا به حکومت این جاسوسان، قاتلان و توطئه‌گران بین‌المللی خاتمه دهند و این خود دهن کجی به انقلاب، مردم، اسلام و طرح ادامه توطئه و جاسوسی در بطن انقلاب اسلامی ایران را می‌رساند. بنابراین مسئولیت فرار



افراد مزدور و خائنی چون «حبیب‌اللهی»^۲ و دیگرانی که ممنوع‌الخروج بوده‌اند و مطابق اسناد مکشوفه همه با پاسپورت اقامت در آمریکا فرار کرده‌اند، با لانه جاسوسی آمریکا در ایران است.

آیا ملت آمریکا تمام مسئولیت ناشی از فرار هزاران دزد، خائن و آدم‌کش جانی را از کشور ما می‌پذیرد؟ آیا مردم آمریکا شرکت در جرم ورود غیر قانونی هزاران قاچاقچی حرفه‌ای و ضد انقلاب و جاسوس را به کشور ما می‌پذیرد؟ ما مطمئن هستیم که ملت آمریکا اگر آگاه شود و گول تبلیغات دروغین خبرگزاری‌ها و مطبوعات وابسته به سیا و موساد را نخورد، مقابل این بی‌قانونی‌ها و توطئه‌های ضد انسانی خواهد ایستاد. خلق مسلمان ما هرگز گناه نابخشودنی همکاری و یاری با خائنان، قاتلان، جاسوسان و ضد انقلابیون را نخواهد بخشید و مصمم است تا این ریشه‌های گندیده را از بن بر کند.»^۳

ج: جعل پاسپورت و مهر فرودگاه‌های کشور های دیگر

یکی از کارهای خلاف قانون لانه جاسوسی جعل پاسپورت و مهر فرودگاه‌های دیگر کشورها برای هویت سازی اعضای CIA است. ماموران سرویس

۲- حبیب‌اللهی فرمانده نیروی دریایی حکومت پهلوی بود که بعد از انقلاب به کمک سفارت آمریکا از ایران فرار کرد.

۳- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۲۶



های امنیتی برای ورود به هر کشوری که قصد جاسوسی و تخریب را دارند با هویت های مختلف و پوشش های متفاوت به کشور مقصد میروند تا شناسایی آن ها مشکل شود، در این سند به وضوح روشن می شود که لانه جاسوسی برای مأموران CIA چگونه هویت سازی می کنند تا بتوانند برای کارهای جاسوسی از آن ها راحت تر استفاده کنند. جالب توجه است که مأموران امریکایی از هویت کشورهای اروپایی استفاده میکنند و امریکا خودش را موظف به رعایت قانون در قبال دوستانش هم نمیداند.

« محرمانه: ملاحظات در جلد (منظور پاسپورت است) بنابراین اطلاعات شخصی در پاسپورت شما، شما مجرد، متولد آنتورپ Antwerp بلژیک، ۸ جولای ۱۹۳۴، رنگ چشم آبی، فاقد علامت مشخصه، قد تقریباً ۱/۸۸ متر، شغل نماینده بازرگانی و تجارتي هستيد.

این غیر ممکن نیست که یک بلژیکی الاصل که به زبان فلمنگی Flemish صحبت می کند در قسمت فرانسوی زبان بلژیک زندگی بکند. مانند چه ته Jette تو می توانی بگویی که در آنتورپ به دنیا آمده ای و با یک کمپانی که اداره ای در آنتورپ داشته کار کرده ای و بعداً به اداره اصلی در براسل منتقل شده ای. برخلاف اینکه فاصله براسل و آنتورپ ۹۰ دقیقه رانندگی است، تو تصمیم گرفتی که در حومه براسل، چه ته، زندگی کنی. این مطالب، صدور محلی مدارک شما را توجیه خواهد کرد. درحالی که



در براسل کار می‌کردی به اروپا مسافرت تجاری کرده‌ای که در پاسپورت تو نوشته شده است و حالا به قسمت خاورمیانه کمپانیت منتقل شده‌ای. آدرس تو در جِه تِه، به قرار زیر است:

۱۷۴، Aven de Jette Jette ,Belgium صفحهٔ دوم «محرمانه» دستورات برای پاسپورت فعال (یعنی پاسپورتی که مورد استفاده و در جریان است).

پاسپورت بلژیکی شما صادره از (ظاهرا) جِه تِه، حومهٔ براسل Jette با شماره NV۴۵۶۵۳ در ۱۶ مارس ۱۹۷۷ اعتبار دارد. برای معتبر کردن آن، سفرهای زیر در آن اضافه شده است، سفری به مادرید، اسپانیا در آوریل ۱۹۷۷، سفری به لیسبون، پرتغال در آگوست ۱۹۷۷، سفری به دهلی در ژانویه ۱۹۷۸، سفری به مادرید، اسپانیا در مارس ۱۹۷۸، سفری به هلسینکی و فنلاند در ژوئن ۱۹۷۸، سفری به آتن، یونان در نوامبر ۱۹۷۸.

طبق مقررات جاری (آگوست ۱۹۷۹) یک بلژیکی احتیاجی به ویزا برای ورود به ایران ندارد؛ در عوض او می‌تواند ۹۰ روز در ایران بماند. برای فعال کردن این پاسپورت تو ظاهرا به ایران وارد و از آن خارج شده‌ای و اثر مهر در پاسپورت تو وجود دارد. تو اول باید تحقیق کنی و مطمئن شوی که چه نوع سیستم تاریخ در زمان ورود یا خروج ظاهری تو استفاده می‌شده است. سه نوع از آن را مشاهده کرده است:

۱. استفاده از تاریخ ایرانی (شاهنشاهی).



۲. استفاده از تاریخ اسلامی اما فقط با دو رقم آخری سال آن (شمسی هجری).

۳. استفاده از تاریخ اسلامی با استفاده از ۴ رقم سال آن (شمسی هجری).

صفحه سوم «محرمانه» اگر تاریخ ایرانی مورد استفاده است، مهر ورود و خروج که روی قطعه چوبی نقش دارد باید در رابطه با ریزه (قسمت ریز و جدا جدا از تاریخ ایرانی مورد استفاده قرار گیرد) تاریخ و روز صحیحی را انتخاب کنی. آن ریزه‌ها را در قسمت بریده مهرها جاگذاری کنید. بالشتک جوهر شماره ۲۸۰ برای ورودی‌ها و بالشتک جوهر ۲۹۵ برای خروجی‌ها. به مهری که قسمت تاریخ روز در آن گذاشته شده است جوهر بمالید و اثری از آن بر روی پاسپورت بیندازید.

برای تاریخ اسلامی شما اول قسمت تاریخ و بعد، از مهر ورودی یا خروجی که بر روی پلاستیک تمیزی نقش دارد استفاده کنید. اول، تاریخ صحیح بهم بسته شده (۲ رقمی از سال یا ۴ رقمی از سال) را انتخاب کرده و بعد در جوهر (ورودی ۲۸۰ و خروجی ۲۹۵) فرو کرده و بعد تاریخ را در پاسپورت وارد کنید. بعد مهر (خروجی یا ورودی) را از بالشتک صحیح آن جوهری کرده و در روی پاسپورت، به طوری که تاریخ کم و بیش در وسط این اثر باقی مانده قرار بگیرد، بیندازید. از داخل پلاستیک، تاریخ را برابر و میزان بکنید تا مطمئن بشوید که به درستی جای گرفته است. لطفا صفحه ۴ را برای نمونه‌های حقیقی



و قلبی (مهر و تاریخها) ببینید. بهتر است شما به هرگونه تغییری توجه داشته باشید (چه در شکل و چه در رنگ جوهر).

رنگی را برای Eznova بفرست. با ضمیمه کردن اندازه و قطعه رنگ در هر عکس (رنگ نمونه) بعداً Eznova مواد مورد احتیاج را دوباره تهیه و آنها را برایت می‌فرستد.

صفحه سوم/A «محرمانه» چون مهرهای شما باید خیلی خوانا و روشن باشد، سعی کنید که روی آن را چرکی نکنید. در کاغذهای ضمیمه تمرین بکن تا احساس کنی قادر هستی در پاسپورت انجام دهی.»^۴

د: جاسوسی از نهاد های امنیتی و نظامی

نهاد های نظامی از محرمانه ترین نهاد های هر کشور است، و اطلاعات آن نباید در اختیار دیگران قرار بگیرد، امریکا از ارتش ایران اطلاعات کاملی داشت اما نهاد تازه تاسیس سپاه پاسداران برای آنها کاملاً ناشناخته بود. یکی از مهم ترین کارهای هر سازمان جاسوسی جمع آوری اطلاعات از نهاد های نظامی است که لانه جاسوسی امریکا این کار را نیز انجام داده و اطلاعات کاملی از سپاه پاسداران جمع آوری کرده است. قاطعانه میتوان گفت این اطلاعات در جنگ تحمیلی در اختیار صدام و دشمن بعثی قرار

۴- اسناد لانه جاسوسی امریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ج ۱ ص ۴۴ و ۴۵



گرفته است. در ضمن یکی از اسناد لانه جاسوسی این چنین گزارش می دهند:

«الف. سپاه پاسداران انقلاب در آینده‌ای نزدیک دارای ۳۰/۰۰۰ نیروی قوی خواهد شد که در مراحل مختلف کامل می شود.

در حال حاضر (۱۶ اکتبر ۷۹) این سپاه ۱۰ تا ۱۵ هزار نیرو در سطح ایران دارد و طبق نقشه، هر شهری که دارای ۵/۰۰۰ جمعیت است قرار است یک واحد ۲۰۰ نفری از سپاه در آنجا مستقر گردد.

ب. هرکدام از ۲۱ بخشی که شامل شهرهای بزرگ می شود، دارای ۱۰۰۰ نفر پاسدار قوی تحت عنوان کمیته محلی انقلاب خواهد بود که آن‌ها ممکن است با تغییر شرایط سیاسی مناطق مختلف، تغییر مکان دهند.

ج. بیست واحد از ۲۰۰ پاسدار قوی که هرکدام به تازگی از کیفیت بالای آموزشی در سلطنت آباد برخوردارند، مأموریت دارند که امنیت شهر تهران را در شب با برجستگی خاص در دست داشته باشند.

د. سپاه پاسداران تحت کنترل اداری اجرایی هیچ یک از وزرای دولت نیست. بلکه تحت کنترل مستقیم امام، توسط کمیته مرکزی انقلاب اسلامی خواهد بود.

ه. در حال حاضر هیچ نوع محدودیت سنی برای پاسداران وجود ندارد. آن‌ها می توانند دارای سنین بین ۱۶ تا ۶۰ باشند.



و. واحدهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران به ۴۲ واحد رسیده است.

ز. هیچ کدام از مربیان تعلیم دیده در سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO) جهت تعلیم در اردوی علی آباد استخدام نشده‌اند. مربیان همه از ارتش می‌باشند.»^۵

این سند نشانگر آن است که دشمن با حساسیت تمام در صدد جمع‌آوری اطلاعات از این نهاد انقلابی کشور بوده است.

ه: صدور ویزا به شرط جاسوسی

یکی از راه‌های جاسوسی و کسب اطلاعات، مشروط کردن ویزای آمریکا به ازاء دادن اطلاعات است. افرادی که وابسته به رژیم پهلوی بودند یا با انقلاب منافع خود را در خطر می‌دیدند فرار از کشور و پناهنده شدن به آمریکا را آسان‌ترین کار میدیدند، در این شرایط سفارت آمریکا برای اخذ ویزا به ایرانیانی که در مناصب و جایگاه‌های مهم بودند شرط میگذارد که تا اطلاعات و خبرهای مهم را برای سفارت نیاورند ویزا به آنها داده نمیشود. و این روش قطعاً جاسوسی بوده و با سفارت خانه هیچ نسبتی ندارد.

«محرمانه - ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ مطابق با ۵۸/۶/۲۷ از:

۵- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۹ و ۱۰



سرهنك شيفر وابسته امور نظامي دفاعي در نيروي هوايي آمريكا به: تمامي وابسته هاي دفاعي آمريكا در تهران. موضوع: شرايط قبول توصيه براي صدور ويزا عطف به: نامه سركنسول مورفيلد درباره همين موضوع - مورخ ۱۹ آگوست ۱۹۷۹

۱. اين نامه شامل راهنمايي هايي به وابسته هاي نظامي آمريكا مي باشد تا توصيه هايي را كه براي صدور ويزا مي شود رعايت كنند.

۲. وابسته هاي نظامي آمريكا درباره فاميل درجه يك افراد زير مي توانند رأي صدور ويزا توصيه نمايند:

الف. افراد ارتش، ژاندارمري و شهرباني ايران كه از سرگرد به بالا باشند.

ب. افراد هواپيمايي كشوري.

ج. افراد ديپلمات درجه يك ايراني يا خارجي كه با دفتر وابستگان نظامي آمريكا همكاري مستقيم داشته باشند. دوستان افراد فوق الذكر از اين قاعده مستثني هستند.

توصيه براي صدور ويزا تنها براي افرادي پذيرفته مي شود كه اطلاعات جاسوسي مفيدي براي آمريكا داشته باشند. متقاضيانى كه مشخصات بالا را نداشته باشند اما داراي موقعيت هاي فوق العاده اي باشند -مانند همافرهائي كه اطلاعات باارزشي براي ما تهيه نموده اند- بايد توسط سرهنك شيفر تأييد شوند. متقاضيانى كه داراي شرايط ذكر شده در قسمت الف و ب و ج باشند بايد قبل از مراجعه به اداره



کنسولگری توسط وابسته دفاعی یا معاون او مورد تأیید قرار گیرند.

۳. بخش صدور ویزا می‌تواند به‌عنوان مکانی برای جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی باشد. اطلاعاتی که معمولاً دسترسی به آن از راه‌های دیگر امکان‌پذیر نیست و باید توجه داشت که صدور ویزا مورد استفاده شخصی افراد قرار نگیرد. افراد تنها وقتی برای ما مهم هستند که اطلاعات جاسوسی باارزشی فراهم نمایند یا راهی برای رسیدن به این اطلاعات ارائه دهند. من در این معامله پایاپای (گرفتن اطلاعات در مقابل صدور ویزا) انتظار دارم گزارش‌های مفیدی به‌دست آید.

۴. دفتر وابسته نظامی باید توجه داشته باشد که در هفته بیش از ۵ توصیه برای صدور ویزا نداشته باشد. به افرادی که دارای شرایط مذکور در قسمت الف و ب و ج نبوده ولی از دوستان نزدیک وابسته دفاعی آمریکا هستند می‌توان کارت مصاحبه با کنسول را داد. در هر حال نباید بیش از یک کارت در روز از طرف دفتر وابسته دفاعی برای مصاحبه صادر شود.^۶

آنچه که از بخشی از اسناد ملاحظه کردید این مطلب را برای ما مبرهن می‌کند که سفارت آمریکا در ایران یک مرکز دیپلماتیک نبوده است؛ بلکه یک سازمان جاسوسی است که وظیفه آن مراقبت از منافع

۶- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۴۰



آمریکا در منطقه خاورمیانه بوده است.

چندین جلد از اسناد لانه جاسوسی به ارائه اطلاعات فراوانی از کشورهای حاشیه خلیج فارس، پاکستان، افغانستان، ترکیه، عراق، مصر و شوروی اختصاص دارد. این حجم از اطلاعاتی که از این کشورها در لانه جاسوسی وجود دارد خود دلیل محکمی است که دستگاه بزرگ جاسوسی آمریکا در منطقه خاورمیانه از درون ایران و مکان لانه جاسوسی مدیریت و رهبری می شد.

بی تردید تمام کسانی که در سفارت آمریکا در ظاهر و پوشش دیپلماتیک حضور داشتند از مأموران سرویس اطلاعاتی آمریکا CIA بوده اند و قصد آنها نفوذ در ساختارها و کسب اطلاعات دقیق و به روز از مسائل جاری کشور بوده است.



بخش اول

سیطره و تسلط آمریکا در دوره طاغوت



سیطره و تسلط آمریکا در دوره طاغوت

به گواهی تاریخ و اسناد از شهریور ۱۳۲۰ به بعد آمریکا در ایران به حدی نفوذ پیدا کرده است که شاید به جرئت بتوان گفت در این سالها آمریکا بر ایران حکومت می کرده است. قبل از بررسی اسناد و اثبات این مقوله باید به این سوال مهم پاسخ بدهیم که ایران چه اهمیتی برای آمریکا داشته است؟ جایگاه و نقش ایران در منطقه و جهان چگونه بوده است که برای غرب مهم است که ایران را زیر سلطه خود داشته باشد؟

قبل از هر دلیلی باید به این نکته هم اشاره کرد که جهان خواری آمریکا برای اینکه ایران را زیر نفوذ خود درآورد کافی است و نیاز به هیچ دلیل دیگری



ندارد؛ اما برای اینکه ذهن مخاطب به اهمیت ایران در منطقه واقف شود نکات زیر را ذکر می‌کنیم.

۱. ایران از لحاظ جغرافیایی به نحوی در منطقه قرار گرفته است که از طرفی به کشورهای عربی نزدیک است. این مسئله در سال‌های پیش از انقلاب در خاورمیانه بسیار مهم بوده است. در سال‌های قبل از انقلاب و با تشکیل رژیم جدیدی به نام اسرائیل که غاصبانه کشور فلسطین را تصرف کرده بود، کشورهای عربی و مسلمان به مخالفت و جنگ با رژیم صهیونیستی پرداختند. به این ترتیب امنیت رژیم صهیونیستی توسط کشورهای اسلامی مورد تهدید قرار گرفته بود؛ لذا نیاز به یک حامی مهم و قدرتمند در منطقه برای اسرائیل وجود داشت و از اینجا بود که ایران می‌توانست این نقش مهم را در منطقه ایفا کند.

۲. بلوک شرق یک نظام سیاسی، فرهنگی، اقتصادی خاص بود و به کشورهای کمونیستی، معروف شده بودند و با آمریکا و بلوک غرب در رقابت‌های تسلیحاتی و منطقه‌ای بودند. بلوک شرق توانسته بود در منطقه آسیای شرقی و آسیای میانه و خاورمیانه جایگاه خاصی را برای خود ایجاد کند. موفقیت آن‌ها به این معنا بود که بزرگ‌ترین منطقه نفت‌خیز جهان



را تحت سیطره خود در می‌آوردند و دست آمریکا و بلوک غرب را از این منطقه کوتاه می‌کردند؛ لذا برای متوقف کردن رشد شوروی یکی از مهم‌ترین کشورها که از سویی همسایه شوروی است و سوی دیگر جغرافیای مهمی در منطقه دارد را آمریکا باید از آن خود می‌کرد به همین جهت ایران باید تحت نفوذ و سیطره کامل آمریکا در می‌آمد.

۳. ایران دارای منابع نفت و گاز عظیمی است و این خود عاملی برای ثروتمند بودن ایران است. واضح است که نفوذ بر یک کشور ثروتمند برای کشوری که ادعای آقایی و کدخدایی جهان را دارد به‌منظور بهره‌برداری از ثروت او و همچنین داشتن منافع مشترک بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

۴. یکی دیگر از مسائلی که سبب می‌شود ایران برای آمریکا مهم باشد بازار مصرف بسیار وسیع ایران است. این عامل سبب آن می‌شود که ایران یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان از آمریکا باشد. خرید از شرکت‌های آمریکایی و ایجاد اشتغال و ثروت برای آمریکا یکی از مسائلی است که سبب نفوذ و سیطره آمریکا بر ایران بوده است.

اهمیت ایران به اختصار در یکی از سندهای اسناد لانه جاسوسی این چنین بیان شده است: «اهمیت اولیه ایران به‌واسطه موقعیت کلیدی‌اش در مجاورت اتحاد شوروی و نقش فزاینده رهبری آن در منطقه خلیج فارس و ناحیه ساحلی اقیانوس هند و موقعیتش به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت در دنیا و



خریدار تولیدات ایالات متحده، می باشد.»^۷

توجه و درک سطح نفوذ آمریکا در ایران در دوران پهلوی، تلاش آمریکا برای به دست آوردن همان سطح از تسلط و نفوذ در ساختار ایران در دوران جمهوری اسلامی را نشان خواهد داد و متوجه خواهیم شد که مقصد و هدف آمریکا در جمهوری اسلامی ایران، برگشت به همان حالت قبل از انقلاب است.

در ادامه با ارائه اسناد مهمی از لانه جاسوسی در چند فصل به سیطره و نفوذ آمریکا در دوران پهلوی اشاره خواهیم کرد.

۷- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ج ۱ ص ۴۲۲





فصل اول

سیطره و تسلط آمریکا بر ساخت سیاسی

اشغال و استعمار هر کشوری توسط کشورهای غربی برای این بوده که از منافع و منابع و دارایی‌های آن کشور استفاده کنند. بعد از استعمارهایی که انگلستان و فرانسه و دیگر کشورهای غربی در طول سال‌های گذشته داشتند و این‌گونه عمل می‌کردند که با فرستادن نیروهای نظامی خاک کشور مورد نظر را به تصرف خود در می‌آورند، غربیان به این نتیجه رسیدند که باید به دنبال راهی جدید برای استفاده از منافع و منابع کشورهای مورد نظر باشند؛ به نحوی که خودشان هزینه‌های جنگ و نیروی نظامی را تقبل نکنند.



بعد از حاصل شدن اين فكر است كه كم كم شاهد استقلال ظاهري ملت‌ها هستيم؛ ولي در باطن مسئله هنوز همان استعمار و استثمار در حال اجراست. اين استعمار نو اين‌گونه بود كه وابستگان خودشان را در کشور مورد نظر حاكم مي‌كردند و به بهانه اينكه ما از شما در برابر دشمنانتان حمايت مي‌كنيم از منافع و منابع کشورها بهره‌مند شوند.

آمريكاي جهان‌خوار در آن سال‌ها ايران براي مهم بود و نيازمندی‌هاي اقتصادي مثل نفت و بازار خريد محصولات آمريكايي و همچنين جغرافيايي مهم و اساسي براي استقرار تجهيزات و نيروهايش در مبارزه با شوروي سبب توجه بيشتري به ايران شده بود. اين منافع آن قدر مهم و اساسي بود كه حاضر شدند در ايران کودتاي ۲۸ مرداد را براي برگرداندن شاه انجام دهند. در سند زير مهم‌ترين اهداف و نيازهاي آمريكا به ايران كه سفير بايد براي احيای آنها تلاش كند بيان شده است.

«از: وزير امور خارجه - واشنگتن تاريخ: ۱۱ دسامبر ۱۹۷۷ - ۲ آذر ۱۳۵۶ به: سفارت آمريكا - تهران ۱۰۲۵ طبقه بندي: سري شماره سند: ۱۱۲۶۹ موضوع: اهداف و مقاصد سفير در ايران.»

۱. اين تلگرام حاوي بيان اهداف و مقاصد سياست خارجي ايالات متحده در ايران است. پيام جداگانه‌اي اطلاعات مشروح را در مورد طرح‌ها و تكميل آنها و مرور مطالب تهيه خواهد كرد.



۲. آغاز متن:

الف. یک رابطه سیاسی اقتصادی مستحکم بر مبنای اعتماد و اطمینان. توسعه و تحکیم یک رابطه براساس اعتماد و اطمینان با شاه.

... تشخیص دادن دامنه تماس‌های سفارت در قسمت‌های مهم جامعه ایرانی و برداشتن گام‌های لازم در جهت گسترش روابط، همچنین در نظر گرفتن موقعیت‌های احتمالی‌ای که از سیاست لیبرالیستی (آزادی + فضای باز سیاسی) جدید ایران به وجود می‌آید.

... با نخست وزیر، آموزگار و اعضای کابینه‌اش تا حد امکان همکاری نموده و در متعادل نمودن اوضاع که در سه سال قبل به وجود آمده وی را یاری دهید. ب. افزایش روابط بین ایران و آمریکا در زمینه‌های غیرنظامی.

تشویق ایران به سیاست تأمین کننده نفتی قابل اعتماد برای ایالات متحده و نزدیک‌ترین دوستانش و اتخاذ یک سیاست میانه‌روی در قیمت گذاری نفت، برنامه‌ها و سیاست‌های انرژی ایالات متحده و نیاز اقتصاد جهانی به یک قیمت نفت معتدل را تشریح نمایید.

... سهمی درخور توجه در بازار داخلی ایران را به نفع آمریکا به دست آورده و از نفوذ دفتر سفیر (سفارت آمریکا) در صورت دسترسی نداشتن به مراکز بازرگانی آمریکایی برای استفاده از فرصت‌های



تجاری استفاده نمایند.

... تشخیص این مسئله که چگونه می‌توان همکاری‌های دوجانبه ایران و آمریکا را مؤثرتر نمود و اینکه چگونه می‌توان بخش خصوصی ایالات متحده را بیشتر در این مسئله وارد کرد.

... به‌طور نزدیک با شاه و دکتر اعتماد از سازمان انرژی اتمی ایران همکاری کنید، تا راهی پیدا کنید که بتوانیم به اهداف زیاد نشدن (سلاح) رئیس‌جمهور برسیم و به یک موافقت دوجانبه با ایران دست یابیم. ... تجهیزات گردآوری اطلاعات در ایران را تأسیس و حفظ نمایند.

... حمایت از کوشش‌های در حال انجام برای به کار گرفتن بیشتر دولت ایران در برنامه مواد مخدر برای افغانستان.

... بهبود روش‌های مرتبط با دانشجویان ایرانی خواستار تحصیل در دانشکده‌های ایالات متحده و انجام همکاری‌های لازم برای پیشرفت سیستم دانشگاهی ایران.

... ادامه فشار بر ایران برای پرداخت کامل بدهی‌های عقب مانده به آمریکا.

ج. هماهنگی در روابط نظامی که شامل برنامه تهیه وسایل نظامی نیز هست، صحبت محتاطانه‌ای را با شاه در مورد احتیاجات نظامی آغاز کنید، با این هدف که توجه او را از تقاضای خرید تجهیزات



نظامی غیر ضروری منحرف سازید.

... با دقت موارد فروش وسایل نظامی خارجی (غیر آمریکایی) حاضر و پیش‌بینی شده را تحت کنترل بگیرید.

... به دقت فعالیت‌های نمایندگان سازندگان اسلحه ایالات متحده را تحت نظر بگیرید تا مطمئن شوید که آن‌ها قوانین جدید را در مورد بالا بردن میزان فروش رعایت می‌کنند و راه‌هایی پیدا کنید که تعداد کارکنان قراردادی وابسته دفاعی ایالات متحده در ایران را به تعداد لازم کاهش دهید.

... رابطه تهیه وسایل نظامیان را کنترل کنید تا مطمئن شوید که احتیاجات مشروع دفاعی ایرانیان در چهارچوب قوانین جاری انتقال سلاح برآورده می‌شود.

حق پرواز بر فراز ایران را نگه دارید و اجازه ورود کشتی‌های نیروی دریایی را به بنادر ایران بگیرید.
د. ابقای کیفیت متعادل ایران در امور منطقه‌ای.

... ایران را به اتحاد سیاستی معتدل در قبال مسئله اعراب و اسرائیل و حمایت از سیاست ما درباره مذاکرات صلح در خاورمیانه وادار سازید.

ادامه روابط مثبت ایران با اسرائیل را که شامل تهیه نفت هم باشد، تشویق کنید.

... مخالفت ایران با فعل و انفعالات پاکستان را تداوم بخشید.



... از همکاری ایران و عربستان سعودی در رابطه با امنیت خلیج فارس حمایت کنید و همراه ایران در جریان امور پیشرفت‌های امنیتی مربوطه، در میان همسایه‌های ایران، قرار داشته باشید.

... ایران را تشویق کنید از ابتکارهای اساسی ما در آفریقا حمایت کند.

ه. پیشرفت در اجرای حقوق بشر ایران.

... با شاه و دیگران در موقعیت‌های مناسب، سیاست‌های حقوق بشر ایالات متحده را مرور کنید. بهبود وضعیت حقوق بشر را در ایران تشویق کنید؛ مثلاً با اشاره به پیشرفت‌های مثبت مورد علاقه و با توضیح انعکاس‌های ناشی از تصویر نامساعد حقوق بشر ایران در جهان، توجه وی را به این مسئله جلب نمایید.

پایان متن کریستوفر»^۸

تسلط بر اقتصاد و بهره بردن از نیروهای نظامی اگر بخواهد به درستی اتفاق بیفتد، باید از تسلط سیاسی شروع شود و نیروهای وابسته و متمایل به آمریکا بر ملت‌ها حکومت کنند و الاً اگر مردان آزاده و کسانی که دل در گرو کشور و دین دارند حاکم شوند، اجازه چپاول را به متجاوزان و زورگویان نخواهند داد.

برای آمریکا مهم نیست که نظام حکومتی

۸- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۶۶۵



کشور، شاهنشاهی، مشروطه، لیبرال دموکراسی یا شیخ نشین‌های عربی باشد. ممکن است بر خلاف شعار سیاسی آمریکا در فضای بین‌الملل که به دنبال آزادی و گسترش دموکراسی است در عرصه عمل از دیکتاتورترین و ضد آزادی‌ترین نظام‌های سیاسی حمایت کند؛ مثل حمایت‌هایی که از نظام پادشاهی در ایران و همچنین نظام شیخ نشین و حکومت قبیله‌ای در منطقه خلیج فارس کرده است. آنچه به واقع برای آمریکا مهم است رسیدن به منافع در کشورهای مختلف است. در سند زیر به صراحت اعلام می‌شود که آمریکا برایش مهم نیست چه نوع نظام سیاسی‌ای در ایران حاکم است. آن چیزی که مهم است این است که منافع آمریکا توسط شاه در ایران حفظ می‌شود:

«درحالی‌که آمریکا تعهدی در حمایت از هیچ شکل حکومتی خاصی در ایران ندارد، شاه فعلاً از عهده حفاظت منافع اصلی امنیتی ما در ایران برمی‌آید و تنها شخصیتی است که می‌تواند راهبر ایرانیان شورش‌گرا باشد. بدین طریق تا ظهور منبع قدرت مؤثر دیگری، که ما انتظار آن را طی ۲ تا ۵ سال آینده نداریم، حمایت از شاه و برنامه او لازم است.»^۹

شاه ایران به‌حدی غربی شده بود که فارسی صحبت کردن او دچار مشکل شده بود. به‌نحوی که آمریکا از این قدر تمایل به غرب نگران شده بود که

۹- همان، ج ۱ ص ۶۶۴



ممکن است توده مردم را علیه او کند:

«امروزه حتی فارسی سخن گفتن شاه نیز به مسخره گرفته می شود؛ چون شاه هنگام کاربرد فارسی دچار اشتباه می شود و این نیز در نظر مردم دلیلی دیگر می شود بر اینکه بگویند او عامل و حافظ منافع خارجی ها است، نه مردم.»^{۱۰}

و این ویژگی که غرب را به ملت ایران ترجیح می دهند فقط در شاه نبود بلکه در کل خانواده سلطنتی وجود داشت:

«به طور کلی تصور می رود که اکثر اعضای خانواده سلطنتی به درجات مختلف فاسد، غیراخلاقی و به مقدار زیادی نسبت به ایران و ملت آن بی علاقه هستند. زندگی های تجملاتی و گران قیمت آنان، پارتی بازی و دخالت آنان در تجارت های دولتی و خصوصی، باعث گسترش این نظریه در بین مردم شده که دو پسر اشرف، شهریار و شهرام، عمیقا در سوء استفاده های مالی شرکت های تجاری دست دارند.»^{۱۱}

با حاکم شدن چنین شخصی پرواضح است که تمام منافع آمریکا به راحتی حفظ می شود و هر چقدر بیشتر از او بخواهند، منافع و عزت کشور را بیشتر لکه دار می کند به حدی که شاه و مجموعه مجلس به

۱۰- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش های سیاسی، ج ۱ ص ۷۱۵

۱۱- همان، ج ۱ ص ۲۷۵



قانون کاپیتولاسیون تن می دهند.

سفیر آمریکا که از مأموران کارکشته CIA می باشد. در ارتباط دائمی با شاه چنان تاثیری را می گذارد که در بخش های نظامی، اقتصادی، بین المللی و حکومتی، شاه کمترین استقلال در تصمیم گیری را از خود نداشته است. در یکی از سندها از قول سولیوان سفیر کبیر آمریکا این چنین آمده است:

«من به طور منظم با شاه صحبت هایی طولانی در مورد تمام مسائل داشته ام و این صحبت ها و مباحثه ها از دو طرف با کمال صراحت و صداقت همراه بوده است.»^{۱۲}

حکومت شاه که اساس دیکتاتور مآبانه ای دارد و با هرگونه آزادی همراه با مردم سالاری در تضاد می باشد، با تشویق های بی امان سولیوان به دنبال لیبرال کردن و غربی کردن تمام کشور است. آمریکا می داند که صرفاً غربی بودن حاکمیت کافی نیست؛ اگر مردم با این سیاست ها همراه نباشند دیر یا زود منافع خودشان را از دست خواهند داد. از این روست که به دنبال غربی کردن فرهنگ مردم بودند. شاه با وجود اینکه می داند آزادی دادن به مردم با اصل وجودی اش در تعارض است، در ظاهر و در مقابل آمریکا ژست پیگیری می گیرد به نحوی که در

۱۲- صداقت و صراحت در کلام ابزار فشار است. در واقع سفیر به شاه میفهماند که هر زمان دست حمایت آمریکا از پشت سر شاه برداشته شود، سقوط خواهد کرد. با این روش هاست که اثرگذاری بر شاه اتفاق افتاده است. همان، ج ۱ ص ۶۷۱



اردیبهشت سال ۵۷ که انقلاب مردم ایران جدی و اساسی شده بود به سولیوان می گوید:

«شاه به سفیر سولیوان گفت که توجه او برای پیشبرد مراحل برنامه‌های لیبرالیزاسیون داخلی همچنان مورد توجهش می‌باشد.»^{۱۳}

شاه به ظاهر دنبال نهادینه کردن فرهنگ غربی در ایران بود؛ ولی به گزارش اسناد لانه جاسوسی یک خودکامه و دیکتاتور واقعی نیز بود. طبق قانون اساسی آن دوره، مجلس باید نخست وزیر را به پیشنهاد شاه انتخاب کند و همه ارکان کشور در اداره آن و انجام مسئولیت خود استقلال داشته باشند؛ اما آنچه در واقعیت شاهد آن هستیم این است که مجلس به خواست شاه و با برنامه‌ریزی و کاملاً ساختگی تشکیل می‌شود به نحوی که توسط گزارشگر سفارت اینگونه بیان میشود:

«انتخابات حقیقی یا ساختگی؟ انتخابات ایران تقریباً همیشه با تقلب و فریب همراه بوده است؛ که این نوع ریاکاری حداقل تا زمانی که محمدرضا در سال ۱۹۶۰ بر ایران مسلط گشت دارای شکل ثابتی نبوده است. در هر حوزه انتخاباتی نمایندگان از پر قدرت‌ترین افرادی که در ناحیه بودند انتخاب می‌شدند، که این می‌توانست شامل مالکین بزرگ، فئودالها، رؤسای قبایل یا فرماندهان نظامی باشد. دولت و مجلس

۱۳- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۷۱۵



می‌توانستند در محل برای برگزاری انتخابات عمل کنند و این دو عامل اغلب در انتخابات با هم درگیر بودند.^{۱۴}

این مجلس که در سرسپردگی به شاه بدون نظر واقعی مردم و بدون اینکه مردم در آن نقشی داشته باشند روی کار می‌آید در مواجهه با کابینه به نحوی عمل می‌کند که در اسناد این‌گونه آمده است:

«در رأس این دیوان‌سالاری کابینه قرار دارد. در حال حاضر کسانی که شاه آن‌ها را برای کابینه انتخاب می‌کند در مجلس مورد تردید قرار نمی‌گیرند و اگر وزیری رأی اعتماد نگرفت بدان جهت خواهد بود که شاه آن را خواسته است.»^{۱۵}

مجلس به این نحو مطیع شاه است و کابینه هم به‌طور کامل منصوب شاه است. شاه هر تصرفی که بخواهد در دولت انجام می‌دهد. اصلی‌ترین عاملی که در تصرفات شاه و مداخلات او موثر است این است که اجازهٔ ایجاد ائتلاف‌ها و ایجاد یک قدرت مقابل خودش داده نشود، هرگونه ایجاد قدرتی مقابل خودش را درهم میشکست.

«شاه در انتصابات و تغییرات کابینه عنصر فعالی است. دلایل تغییرات همیشه واضح نیستند؛ بعضی به‌جهت نالایقی یا ضعف سلامت است اما بقیه منعکس‌کنندهٔ توجه شاه به آن‌هایی است که به دنبال

۱۴- همان، ج ۱ ص ۲۱۵

۱۵- همان، ج ۱ ص ۲۵۰



پی ریزی بنای قدرت می‌باشند و ممکن است بیش از حد نفوذ یابند. باینکه جهت تدبیر وی به حفظ اختلاف بین اعضای کابینه است تا از ائتلاف‌های خطرناک جلوگیری کند.»^{۱۶}

آنچه از اسناد لانه جاسوسی به دست می‌آید این است که نظام حکومتی دوره پهلوی یک نظام دیکتاتوری بوده و بقیه ارکان حکومت از مجلس تا دولت همه و همه اجرا کننده دستور پادشاه می‌باشند. فاجعه اینجاست که شاه خودش تحت تاثیر آمریکا و تحت نفوذ و سلطه شدید اوست.

شاید جالب باشد که در اسناد لانه جاسوسی تصریح شده است که اطرافیان شاه اکثرا بهایی بوده‌اند و هدف آن‌ها از بین بردن اسلام بوده است:

«به‌علاوه او (شاه) به واسطه بهائی‌ها احاطه شده که آن‌ها هم هدف اصلیشان نابود کردن اسلام است و این حقیقت که مرکز بزرگ بهائیت در اسرائیل و آمریکا قرار دارد، به این بدگمانی اضافه می‌کند.»^{۱۷}

اصلی‌ترین عامل بهائی که می‌توان از او نام برد هویدا است که در اسناد، او و خانواده‌اش را یک بهائی معرفی کرده‌اند:

«امیر عباس هویدا زمانی که نخست وزیر شاه شد، در حلقه داخلی او نیز عضو شد. گزارش شده که هویدا

۱۶- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۲۵۰

۱۷- همان، ج ۱ ص ۲۵۵



از یک خانواده بهائی است. از این موضوع می‌توان فهمید که او مایل است ساکت بماند. می‌گویند که پدر بزرگش یک خیاط قزوینی پیرو مؤسس بهائیت و پدرش نیز منشی یک رهبر بهائی در «عکا» بوده است. این توجیه تحصیلات اولیه هویدا در بیروت می‌شود.^{۱۸}

فرد دیگری که هم از بهائیان معروف است و هم جزو حلقه داخلی قدرت و نزدیک به شاه و بسیار تاثیرگذار است، دکتر مخصوص شاه، دکتر ایادی است:

«دکتر عبدالکریم ایادی، پزشک مخصوص شاه، ظاهراً مجرای اصلی مداخله شاه در امور بازرگانی است. گفته می‌شود که ایادی حتی در سفر ماه عسل شاه با ثریا نیز آن‌ها را همراهی کرده است. از دیگر گزارش‌ها این است که وی نیابت شاه را در شیلات جنوب بر عهده داشت. ناظران مطلع، آن فعالیت را ترکیبی از ناکارآمدی و فساد وصف کرده‌اند که هیئت مدیره آن مملو از تیمسارهای بازنشسته بوده است. افتضاح این فعالیت ظاهراً آنقدر عظیم بود که تمام شرکت دوباره سازماندهی شد و تحت مدیریت دیگری قرار گرفت. ایادی بهائی است و یک ناظر، وی را یکی از کسانی خوانده‌اند که این فرقه را از تعقیب مسلمانان ایرانی متعصب‌تر حفظ کرده است.»^{۱۹}

۱۸- همان، ج ۱ ص ۲۴۹

۱۹- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و



پر واضح است که بهائیان از ابزارهای دست‌ساز آمریکا و غرب برای مبارزه با دین اسلام و تسلط هرچه بیشتر بر ایران تشکیل شده است.

این نفوذ و سیطره آمریکا در ساخت سیاسی حکومت پهلوی سبب‌ساز این شده است که در مابقی بخش‌های کشور مثل اقتصاد و نیروهای نظامی امنیتی تا وزارت امور خارجه نیز دارای نفوذ برای انتفاع و بهره برداری از منافع و منابع کشور شود.



فصل دوم

سیطره و تسلط بر ساخت اقتصادی

در مقدمهٔ فصل بیان شد یکی از مسائلی که سبب اهمیت ایران برای آمریکا بوده، بازار بزرگ مصرف ایران و نفت بی‌شمار و خدادادی ایران بوده است که در اسناد این‌گونه تعبیر شده بود: «اهمیت اولیهٔ ایران... و موقعیتش به عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت در دنیا و خریدار تولیدات ایالات متحده می‌باشد.»

کشور ایران در دورهٔ سلاطین قاجار و پهلوی به دلیل بی‌کفایتی پادشاهان دچار عقب‌ماندگی‌هایی در علم و صنعت و تولید شده بود. با رشد و توسعهٔ دنیای غرب پادشاه و مسئولین وقت به جای آنکه کمر همت ببندند، عقب‌ماندگی‌های کشور را جبران کنند



و پیشرفت واقعی را که از نهاد کشور می‌جوشید در آن نهادینه کنند، رو به قدرت‌های غربی مثل آمریکا آورده و به خیال خام خودشان می‌خواستند با پول، صنعت و پیشرفت را بخرند. حال آنکه این پول‌ها نهایتاً کالای صنعتی را وارد کشور می‌کردند و فقط باعث فروش محصولات خارجی و سود بی‌شمار آن کشورها می‌شد.

به هر حال ایران در این سال‌ها با توجه به سیاست پهلوی در وابستگی اقتصادی، به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تبدیل شده بود که خریدار کالای آمریکایی است. تجارت با آمریکا فرهنگ تجاری ایران شده بود. حاکمیت و تجاری پهلوی برای کالای آمریکایی ارج و قرب فراوانی قائل بودند و این مشکل فرهنگی خود عامل تسلط هرچه بیشتر آمریکا بر اقتصاد ایران شده بود:

«بخش خصوصی و دولتی اقتصادی ایران احترام خاصی به تولیدات آمریکایی می‌گذارند و ایران بیش از هر کشور دیگری با شرکت‌های بلندپایه تجاری آمریکا در تماس بوده است و دانشجویانش برای دوره‌های تکنیکی و دیگر مطالعات، ایران را ترک می‌کنند. تجارت با اروپا و روسیه شوروی و دیگر قسمت‌های جهان به اندازه آمریکا نمی‌باشد و این تجارت‌های ایران برای ما خوب است.»^{۲۰}

۲۰- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۲۶۷



آمریکا که از این مشکل فرهنگی و میل شدید ایران به تجارت با خود اطلاع پیدا کرده بود در پی یافتن اطلاعات ریز و جزئی از صنعت ایران بوده است و یکی از کارهای مأموران آمریکا کسب اطلاعات اقتصادی در تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز بوده است:

«در زمینه اقتصادی با محدوده کاری پرمحتوایی سروکار دارید. گزارش سالیانه یا گزارش محلی در مورد کارخانه NISOC و طرح‌های NISIS (هر دو مربوط به کارخانه ذوب آهن) هم برای ما و هم برای واشنگتن مفیدند. دیدارهای محلی از صنایع برجسته، ملاقات با بازرگانان درجه اول، بانک‌داران و مقامات اتاق اصناف، موضوعات خوبی برای گزارش هستند. شما که در نوشتن گزارش‌های اقتصادی سوابق همکاری فراوان دارید مشکلاتان زمان خواهد بود، نه مهارت؛ اما فهرستی از موضوعات می‌تواند شما را در تشخیص تقدم و تأخر انجام تحقیقات صنعتی و اقتصادی یاری دهد.

- - سرمایه داری: تأسیس، کارکنان اصلی، مقدار و تاریخ سرمایه گذاری، منبع سرمایه، نوع و شکل فعالیت‌های تجاری، درصد درآمد وسعت و محل، طرح‌های توسعه.

- - روابط خارجی: میزان درآمد، حق الامتیازها، اجاره نامه‌ها (در این صورت، شرایط از قبیل شرایط صادرات) حضور مدیریت و تکنسین‌ها و خصوصیت.



- - طرح های آموزشی، تحقیق خدمات و بازاریابی.
- - فعالیت: میزان محصول سال های اخیر به درصد ظرفیت، استعداد تولیدی (در صورت امکان با معیارهای ایالات متحده، ژاپن و اروپا مرتبط سازید) کنترل کیفیت، موانع زیربنائی (برق و آب و...)، تعداد نوبت های کار پیش بینی ها.
- - مصرف و تولید: کشور منبع مصرف های عمده مشکلات (از قبیل تهیه تجهیزات اصلی، تمایل نداشتن به عوامل که باعث رقابت می شوند) میزان کالاهای انبار شده و برنامه در مورد آنها، بازارهای فعلی و آینده (داخلی و خارجی) سرویس محصولات.
- - دخالت دولت: مالیات و دیگر کمک ها و تعرفه و دیگر حمایت در بازار رقابت، مشکلات در رابطه با دولت، مشکلات نرخ گذاری و
- - مالی: عایدی های خالص و ناخالص فعلی و پیش بینی شده، بازگشت سرمایه، سهام (اگر عمومی است) و شرکت در برنامه تقسیم سهام، برخوردهای مالیاتی (مثلا دعواها) و هرگونه مشکل در اعتبار گرفتن، بدهی خدماتی و
- - نیروی انسانی: تعداد و خصوصیت کارکنان (مثلاً مرد، زن، کارگر و کارمند، خارجی) چگونگی استخدام و آموزش آنها، میزان اصلاح سازمان و تغییر پرسنل سازمان و کارآیی، نرخ های حقوق، تمایلات و چگونگی میزان تشخیص آن سهم از منفعت، امتیازات، مشکلات.



چنین گزارشی همچنین باید حاوی یک جنبه اطلاعاتی در مورد فرصت‌های استفاده ایالات متحده در یک برنامه توسعه و مرتبط با یک تمایل به کسب مجوز فعالیت‌های خارجی باشد. گزارش شما در امور اقتصادی مملکت از قبیل موارد ذیل مورد استفاده قرار خواهد گرفت:

سیاست کنترل قیمت‌ها، تورم (قیمت‌های معمول زمین و اجاره) به تعیین حقوق، دورنما و وضعیت فعلی برنامه تقسیم سهام (اصل ۱۳)، مشکلات و اصلاحات تأمین و پخش (مانند سیستم ترابری، انبار داری، بازارها)، موجود بودن و تخصیص اعتبار، اوضاع سرمایه‌گذاری/تجارت به‌طور کلی (شامل میزان بالارفتن سرمایه) عوامل موثر در آن اوضاع (مثلاً تصمیم به سرمایه‌گذاری یا انجام ندادن آن) و فعالیت‌های دولتی (کارآیی بوروکراسی، اتخاذ تصمیمات محلی یا همه در تهران)، تأثیر خرج‌ها، تقلیل طرح‌های عمرانی و غیره.^{۲۱}

مبتنی بر اطلاعات کامل از اقتصاد ایران، آمریکا برنامه‌های تجاری‌ای برای ایران تدارک می‌بیند که حجم تبادل مالی آن بسیار بالاست و شاید امروزه بعد از گذشت این همه سال هنوز تحقق این حجم مبادله و خرید کالا از یک کشور دست‌یافتنی به نظر نرسد؛ اما وابستگی اقتصادی حکومت پهلوی به آمریکا و اشراف دقیق اقتصادی آن‌ها بر ایران این

۲۱- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۶۹۲



حجم از مبادلات را ممکن می‌کند. در سند زیر که وزیر اقتصاد ایران و هنری کسینجر مشاور امنیت ملی آمریکا حضور داشته‌اند می‌خوانیم:

«کمیسیون مشترک ایران و آمریکا برای سومین بار در تهران در تاریخ ۶ و ۷ آگوست سال ۱۹۷۶ برگزار شد. هوشنگ انصاری وزیر امور اقتصادی و مالی و آقای هنری کسینجر در این ملاقات حضور داشتند.» در این کنفرانس که در نوشهر برگزار شده است، شاه خائن نیز حاضر بوده و پیامی خطاب به فورد رئیس جمهور وقت خوانده است.

معاملات و سرمایه گذاری

رابطه کمیسیون اظهار داشت که روابط بین دو کشور همان‌طور که انتظار می‌رود رو به گسترش است.

در مارس ۱۹۷۵ مبلغ ۱۵ بلیون دلار (خارج از معاملات نفتی و نظامی) برای مدت ۵ سال در نظر گرفته شده بود، کمیسیون با مبلغ ۲۶ بلیون دلار برای سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۸۰ موافقت کرد. همچنین توافق نمود که هر دو کشور برای رسیدن به هدف مشترک همکاری نمایند؛ در صورتی که صادرات نفت بدون در نظر گرفتن معاملات نظامی هم به حساب بیاید، جمع تجارت غیر ارتش دو کشور از مرز ۴۰ بلیون دلار در طی ۱۹۷۵-۱۹۸۰ بیشتر خواهد شد. تمایلات دولت‌ها برای توسعه تجاری و اقتصادی بین دو کشور و نیاز به صادرات آمریکایی برای کالاهای صنعتی ایران نیز مورد نظر قرار گرفت.





رابط آمریکایی آمادگی همکاری برای صدور را اعلام نمود و ایرانی‌ها نیز عمومیت دادن بیشتری به سیستم روابط را پیشنهاد نمودند.» (گزارشی از کمیسیون مشترک ایران و آمریکا در ایران)^{۲۲}

در سال آخر مبارزات انقلابی مردم که حکومت شاه متزلزل شده بود و نظم اجتماعی نیز تحت الشعاع قرار گرفته بود باز هم شاهد حجم بالای مبادلات و سود زیادی که کمپانی‌ها و شرکت‌های آمریکایی از آن داشته‌اند، هستیم. چنین جامعه‌ای برای مبادلات اقتصادی گزینه مناسبی نبود اما باز شاهد این هستیم که شرکت‌های اقتصادی تصمیم به ماندن در این شرایط گرفته‌اند و این خود نشان از سود هنگفت مالی آمریکا در ایران است:

«بخش آمریکایی کمیته تجارتي مشترک ایران و آمریکا جلسه‌ای را در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ در واشنگتن C.D برگزار کرد. این جلسه با شرکت نمایندگان ۳۰ کمپانی آمریکایی که دارای روابط و وابستگی‌های تجارتي با ایران هستند صورت گرفت. این ملاقات برای بررسی جریان‌ات اخیر ایران بود. اعضا در مورد فضا و شرایط و موقعیت اقتصادی در ایران و اثرات آن در جو تجاری بحث نموده و همچنین درباره نقش و ادامه کاری که این کمیته در مورد روابط دو جانبه اقتصادی باید ایفا نماید گفتگو کردند. اعضای کمیته در پایان جلسه متفق‌القول

۲۲- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۱۱۹



بودند که موقعیت اقتصادی کنونی باید مدنظر باشد؛ زیرا نشانگر یک تنزل زیاد در پتانسیل اقتصادی ایران است. بخش آمریکایی همچنین توافق نمودند که این ناپایداری اقتصادی فعلی گذراست و کمپانی‌های آمریکایی در ایران قاطعانه از اقداماتی که آرامش را بازگردانده و اجازه رشد و شکوفایی اقتصادی را دهد حمایت می‌کند. در حال حاضر اجرای قراردادها با ایران بلامانع است. ... کمیته حمایت خود را از کوشش‌های دولت ایران برای برقراری ثبات اقتصادی و ادامه افزایش سطح زندگی ایرانیان اعلام می‌دارد و از هیچ‌گونه کمکی برای رسیدن به این اهداف مهم دریغ نمی‌کند.»^{۲۳}

شاید عجیب‌تر این باشد که یکی از اهداف و آرمان‌های انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب، مبارزه با امپریالیسم آمریکایی بوده است و خطر برباد رفتن تمام منافع آمریکا در ایران وجود دارد. اما تصمیم آمریکا برای ماندن و ادامه فعالیت اقتصادی است:

«قسمتی از توصیه لینگن کاردار به وزارت امور خارجه آمریکا: «در زمینه اقتصادی هم‌پیمانان طبیعی با نیروهای غیرمذهبی و غیرچپی هستند که در دنیای سیاست فعال‌اند. باید تجار آمریکایی‌ای که تصفیه نگردیده‌اند محکم به کارشان بچسبند و خود را هماهنگ نشان بدهند.» از لینگن به وزارت امور

۲۳- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۱۲۰



خارجہ آمریکا ۲۹ مرداد ۵۸»^{۲۴}

اما شاید جالب‌ترین و عبرت‌آموزترین بخش‌های اقتصادی اسناد این باشد که آیا آمریکا واقعا می‌خواهد کمک کند ایران به یک کشور مدرن و پیشرفته تبدیل شود یا اینکه اصلاً چنین قصدی ندارد و فقط به دنبال انتفاع خود از امکانات کشور است؟

آنچه از اسناد به دست آمده این است که آمریکا فقط به دنبال منافع خودش است؛ منافع آمریکا هم در این است که ایران رشد اقتصادی نداشته باشد. آمریکا حاضر است ایران از لحاظ نظامی تجهیزات کمتری بخرد ولی به توسعه اقتصاد نرسد:

«تمایل شاه به تجهیزات، ما را به‌طور دائم در ناراحتی نگه داشته است. ما ناراحت مشکلات اقتصادی‌ای هستیم که بنیان نظامی او آن را به وجود آورده و تأثیر آن به لحاظ جذب مهارت‌ها و امکانات و تأثیر واقعی نظامی او می‌باشد. پیش‌تر از این، مخصوصاً موقعی که ما کمک اقتصادی برای پیشرفت اقتصادی ایران تهیه می‌کردیم، بر آن بودیم تا به منظور فزونی نیافتن پیشرفت اقتصادی، برنامه نظامی را محدود کنیم.»^{۲۵}

شاه که در توهم این بود ایران را با خرید محصولات تکنولوژیک و کالاهای مصرفی به یک کشور غربی مثل آلمان و ژاپن تبدیل کند، در خیال خامی بوده

۲۴- همان، ج ۱ ص ۸۶

۲۵- اسناد لائۀ جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسۀ مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۳۵۸



است که حتی آمریکاییان نیز به آن واقف بودند و نهایت رشد و توسعه ایران را در حد کشور بحرین می‌بیند:

«تغییر در برنامه‌های اقتصادی به سمت خودکفایی، یعنی تأمین نیازهای اساسی انسان به‌جای این اظهارنظر یکسونگرانه که ایران تا سال ۲۰۰۰ یک آلمان غربی خواهد شد، به‌وجود آمده است. در نتیجه ایران در بخش معادن دچار اشتباهاتی شده است، وقتی که به‌جای افزایش اکتشافات معدنی، آن را کاهش داده است. یک عامل عمده در توسعه یک استراتژی درست اقتصادی، متقاعد کردن شاه برای کم کردن انتظاراتش است. ایران می‌تواند از بحرین بهتر باشد، اما باید توهم «آلمان غربی» را ترک کند.»^{۲۶}

نفت

آمریکا یکی از پرمصرف‌ترین کشورها در مصرف انرژی است و همیشه علاوه بر صادرات نفت برای تهیه نیاز خودش از دیگر کشورها نفت وارد می‌کند. یکی از مناطقی که تأمین‌کننده نفت جهان و آمریکا می‌باشد خاورمیانه است؛ لذا آمریکا همیشه مقداری نفت از خاورمیانه و ایران وارد می‌کند:

«سفیر گفت که از آقای «بش» خواسته تا ارقام مربوط به وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه را استخراج کند. شاه و دیگران می‌گفتند ۵۰٪ واردات نفت

۲۶- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۷۴۰



آمریکا از خاورمیانه است. برای آمار، رقم واقعی ۱۷٪ است.»^{۲۷}

نیاز آمریکا به نفت ایران، رژیم آمریکا را به جمع‌آوری اطلاعات از صنعت نفت ایران وادار می‌کند و این کار مهم را طبق اسناد لانه جاسوسی مأموران CIA انجام می‌دهند؛^{۲۸} که در اسناد زیادی مخبرها اطلاعات محرمانه صنعت نفت ایران را به سفارت مخابره کرده‌اند.

صنعت نفت ایران و مسئولان عالی رتبه مرتبط با نفت، یا درس خوانده آمریکا یا از کسانی بوده‌اند که به نوعی متمایل به آمریکا بودند؛ لذا سفیر آمریکا معتقد است که صنعت نفت ایران قابلیت زیادی برای تاثیرپذیری دارد که معنای بهره برداری از نفت ایران در جهت منافع آمریکا معنا می‌شود:

«سفیر همچنین اشاره کرد که سفر اخیر او به مناطق جنوبی ایران بسیار آموزنده بوده است. صنعت نفت بسیار تاثیرپذیر است و قسمت‌های IIN نیز تاثیرپذیری بالقوه‌ای دارند.»^{۲۹}

یکی از نمونه‌های این تاثیرپذیری این است که ایران اجازه افزایش قیمت نفت را در سازمان اوپک نمی‌دهد و این فقط برای تأمین نظر آمریکا و دقیقاً برخلاف منافع کشور می‌باشد:

۲۷- همان، ج ۱ ص ۷۲۲

۲۸- همان، ج ۱ ص ۷۰۴

۲۹- همان، ج ۱ ص ۷۰۰



«ما معتقدیم که موفقیت چشمگیری در توسعه روابط ایران و آمریکا در زمینه انرژی، به خصوص نفت داشته‌ایم. ایران اولین کشوری بود که خواستار ثابت نگه داشتن قیمت نفت اوپک در سال ۱۹۷۸ شد. ایران همچنان به عنوان یک منبع نفتی مطمئن برای ایالات متحده و نزدیک‌ترین دوستان ما باقی می‌ماند. یک قسمت از این پیشرفت به علت وضعیت ذخیره نفتی جهان بود، قسمتی دیگر به دلیل برنامه‌های انرژی دولت «کارتر» بود و یک قسمت هم به جهت صحبت‌های بی‌پرده با شاه در مورد مشکلاتی که به دلیل سیاست‌های قیمت گذاری ایران، بین روابط دوجانبه ما در حال به وجود آمدن بود. (منظور: تهدید شاه به کم شدن ارتباط سیاسی و نظامی بوده است.)»^{۳۰}

علاوه بر اینکه قیمت جهانی نفت به کمک مسئولان ایرانی طبق نظر آمریکا رقم می‌خورد، آمریکا همواره در خرید نفت از ایران تخفیف‌های فراوانی را می‌گرفت که این خود نشان از نفوذ و تسلط هرچه بیشتر بر مسئولان و شاه ایران دارد:

«آقای بروین کفیل ریاست هیئت نمایندگی، گفت که نمایندگان کنسرسیوم نفت، هفته گذشته برای تجدید موافقت‌نامه ۱۹۷۳ به تهران آمده‌اند. ایرانیان توافق دارند که برای هر بشکه ۲۰ سنت تخفیف بدهند. میزان این تخفیف ۲ سنت کمتر از قرارداد

۳۰- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۶۷۲



گذشته است؛ ولی باید توجه داشت که کنسرسیونم ۳/۳ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند.»^{۳۱}

بعد از انقلاب با وجود دشمنی و بدبینی شدیدی که در مردم و انقلابیون مخصوصا امام راحل نسبت به آمریکا وجود داشت، آمریکا همچنان به دنبال حفظ قراردادهای نفتی با ایران بوده است:

«چگونه می‌توانیم از ادامه تهيئه نفت از ایران مطمئن باشم؟»

هیچ نشانه‌ای از اینکه دولت موقت مخالفت خود را با قرارداد سال ۱۹۸۰ که در دسامبر امضاء شد آشکار کند در دست نیست؛ اما این تصمیمات امکان دارد با توسعه سیاست منفی تغییر کند. ما تقریبا به اندازه سال قبل نفت خام دریافت می‌کنیم (حالا ۷۵۰/۰۰۰ بشکه، پارسال ۹۰۰/۰۰۰ بشکه) اگرچه کل صادرات نفت ایران در حال حاضر یک سوم پایین آمده است.»^{۳۲}

شبکه قاچاق ارز تقلبی

از این نفوذ و تسلط آمریکا در اقتصاد ایران و دوره پهلوی که بگذریم در اسناد به یک سند بر می‌خوریم که همکاری سفارت با قاچاق پول‌های تقلبی را نشان می‌دهد. باید بدانیم که این‌ها به جز فساد و تباهی برای مردم ما چیزی را نمی‌خواهند:

۳۱- همان، ج ۱ ص ۷۴۹

۳۲- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۱۲۳



«شبكة قاچاق پول‌های تقلبي (رسول كاظميان)

سند شماره ۱۱۰۶۶ از: سفارت آمريكا تهران محرمانه،
شنبه ۱۷/۱۰/۷۹ مطابق با ۵۸/۷/۲۵ به: سفارت آمريكا
پاریس فوری ۰۴۰۷ گزارش دهنده: اداره امنیت
منطقه‌ای مرجع: تهران ۱۰۷۶۷، پاریس ۳۲۳۵ موضوع:
شبكة قاچاق پول‌های تقلبي (رسول كاظميان)

۱. همان‌گونه که در مرجع ذکر شده در ۱۵ اکتبر
۱۹۷۹ از كاظميان پرسیدیم که آیا مایل به ملاقات
سرویس مخفی آمريكا در خارج است یا نه؟ (بهرتر
است که ترکیه باشد) او با این ملاقات موافقت کرده؛
ولی در مورد محل ملاقات (ترکیه) مردد است. او
معتقد است که شبکه مزبور (پول‌های تقلبي) با پلیس
ترکیه روابط خوبی دارد و احتمالاً می‌توانند همکاری
او با دولت آمريكا را کشف کنند. كاظميان می‌گوید
که او عامل شما را در هر جای دیگری که بخواهید
به خرج سرویس مخفی آمريكا حاضر است ملاقات
کند. (توضیح: زبان مادری كاظميان فارسی است،
انگلیسیش ضعیف است، ولی مدعی است که ترکی
را خوب می‌داند.)

۲. وضعیت كاظميان به‌طور خلاصه در مرجع پاراگراف
۱۰ ذکر شده است. او معتقد است که می‌تواند کمکی
را که قبلاً ذکر شده، انجام دهد. با در نظر گرفتن اینکه
او تاریخ ملاقات را بعد از رسیدن محموله دوم دلارها
در ملاقات با عامل شما، نمونه‌های این اسکناس‌های
جدید را با خودش بیاورد.



۳. کاظمیان باز از همکاری در یک فعالیت کاملاً غیر قانونی اکراه دارد. (توضیح: اداره امنیت منطقه ای معتقد است که همکاری او در عملیات تقلب اسکناسها بیش از آن چیزی است که ادعا می کند. زیرا توانسته با رؤسا روابط برقرار کند. به احتمال زیاد منبع به عنوان یک بی طرف در جریان پولهای تقلبی کار می کند.)

۴. در ملاقات اخیر، کاظمیان اطلاعات زیر را در اختیار قرار داد:

الف. یک اسکناس ۱۰۰۰۰ ریالی تقلبی (تقریباً ۱۰۰ دلار به نرخ روز)، یک اسکناس ۱۰۰ مارکی تقلبی با شماره سریال ۱۲۰۸۶۳۶۰ سرویس مخفی آمریکا می خواهد اسکناس ۱۰۰ مارکی را به رابط آلمانی بدهد. در این صورت ما به صورت مستقیم آن را به سرویس مخفی آمریکا در پاریس خواهیم داد. (توجه: نمی خواهیم که هویت منبع مطلع (کاظمیان) برای آلمانی ها روشن شود. در این صورت آن ها احتمالاً بازجویی های ما را در تهران دنبال کرده و منبع ما را خواهند شناخت.)

ب. پول های تقلبی به وسیله اتوبوس هایی که بین تهران و استانبول کار می کنند و متعلق به شرکت دریا توریست (استانبول) هستند، قاچاق می شود.

ج. سوژه ای که با نام هولیس معرفی شده و بنابر روایتی در ماراس ترکیه متولد شده، تاریخ تولدش معلوم نیست.



د. سوژه‌ای که با نام شافکی معرفی شده، هم اکنون در ترکیه منتظر دستور برای فرستادن محمولهٔ بعدی دلارها به تهران است.

ه. در سوم اکتبر ۵۰۰۰۰۰ دلار اسکناس تقلبی به تهران رسید. علاوه بر آن تقریباً به ارزش یک میلیون دلار از سایر ارزها که شامل مارک آلمان غربی و ریال ایران و ارز عربستان سعودی بود، وارد شد.

نمونهٔ اسکناس‌های این محموله که ریال و مارک بود به دست ما رسید؛ ولی منبع اظهار می‌دارد که به دلیل فروش رفتن دلارها نتوانست نمونهٔ آن‌ها را به دست آورد. این دلارها در همان روز به افرادی که ایران را ترک می‌کردند فروخته شد.

۵. برای اطلاع شما: در ۱۴ اکتبر مطبوعات تهران در مورد وجود اسکناس‌های ۱۰۰۰۰ ریالی تقلبی به مردم هشدار دادند. در ۱۷ اکتبر مطبوعات خبری داشتند که ۳ بلغاری در حین خرید جواهراتی با اسکناس‌های ۱۰۰۰۰ دلاری تقلبی دستگیر شده‌اند (۱۵ اکتبر). جزئیات این اسکناس‌های تقلبی دقیقاً همان بود که منبع ادارهٔ امنیت منطقه‌ای گزارش داده بود. لینکن»^{۳۳}

۳۳- اسناد لانهٔ جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۱۶۴





فصل سوم

سیطره و تسلط بر ساخت نظامی ایران

کشورهای زورگوی جهان با تقسیم دیگر کشورها بین خود از منافع کشورها استفاده می‌کردند. قدرت‌های شوروی و آمریکا هر کدام بخشی از جهان را عملاً به تصرف خود درآورده بودند و از سیطره سیاسی و اقتصادی در آن کشورها برخوردار بودند. کشورهای دیگر در مواجهه با این دو ابرقدرت معمولاً یا تسلیم بودند یا با قوای نظامی مستعمره می‌شدند. ایران نیز از لحاظ جغرافیایی در منطقه‌ای قرار گرفته بود که شوروی طمع فراوانی برای تسلط بر آن داشت و آمریکا نیز به خاطر نفت و تسلط بر خاورمیانه و همچنین حفاظت از اسرائیل و کم کردن نفوذ شوروی تسلط بر ایران را در سر می‌پروراند.



شاه ایران در آن دوره قدرت و توانایی لازم برای حفاظت از مرزها و منافع ایران بزرگ و اجرای موازنه منفی را نداشت به نحوی که به هیچ کدام از طرفین شوروی و آمریکا امتیاز ندهد. برای در امان ماندن از شوروی پای آمریکای جنایتکار را به کشور باز کرد عملاً ایران را به یکی از کشورهای تحت حمایت آمریکا تبدیل کرد و اصطلاحاً به بلوک غرب پیوست.

با پیروزی انقلاب مردم ایران ثابت کردند که بدون وابستگی به قدرت‌ها می‌توانستند از تمامیت ارضی کشور دفاع کنند؛ ولی شاه درک درستی از استقامت در مقابل زورگویان نداشت. او با دشمن پنداشتن شوروی و دوست دانستن آمریکا، تسلط آمریکا بر نیروهای نظامی را رقم زد.

در اسناد لانه جاسوسی آمده است که شاه، شوروی را تهدید اصلی ایران می‌داند:

«شاه معتقد است ایران با تهدیدهای زیادی در سال‌های آینده مواجه خواهد شد که عمده آن‌ها تهدید شوروی است. از قدیم ایرانی‌ها ترس تسلط یافتن روس‌ها را بر خود داشته‌اند و آن‌ها را تهدید عمده‌ای برای تمامیت ارضی خود قلمداد کرده‌اند. برخلاف همکاری‌های اخیر اقتصادی ایران و شوروی، شاه معتقد است که اهداف تاریخی روسیه (تسلط بر امور خلیج فارس و ارتباط یافتن با بنادر آب‌های گرم از راه خشکی)، همچنان تعیین کننده خط مشی روسیه در قبال خاورمیانه و جنوب آسیا



خواهد بود. شاه می‌داند که تصرف نظامی ایران سریع‌ترین راه برای دستیابی به این آمال می‌باشد.^{۳۴} جالب اینجاست که آمریکا را قدرت نیرومندی که در کمک به ایران غرضی ندارد معرفی می‌کند و این نشان از شناخت نداشتن و خودباختگی شاه خائن بود:

«به‌نظر شاه، آمریکا یک قدرت نیرومند و نسبتاً بی‌غرض است که از ایران در برابر شوروی، به‌وسیلهٔ تسلیحات خیلی پیچیده و متخصصین برای استفاده و نگهداری آن‌ها و مهارت‌های اقتصادی و فنی و حرفه‌ای که برای توسعه کشورش مورد نیاز است، حفاظت می‌کند.»^{۳۵}

شاه وقتی نجات کشور را از شوروی در دستن آمریکا یافت و به آن مایل شد، نمی‌دانست که داشتن روابط نظامی و مستشاری با یک کشور بیگانه فقط به مسائل نظامی ختم نمی‌شود؛ بلکه به نفوذ در تمام ارکان کشور از جمله ساخت سیاسی و اقتصادی نیز ربط پیدا می‌کند. ماموران CIA دربارهٔ این حقیقت که وابستگی نظامی به وابستگی از هر لحاظ می‌انجامد این چنین می‌گویند:

«روابط نظامی ما با ایران (روش اعتباری تجهیزات نظامی و کمک‌های مستشاری نظامی) یک اصل

۳۴- اسناد لانهٔ جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسهٔ مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۲۹۵

۳۵- همان، ج ۱ ص ۴۲۰



اساسی در استحکام موضع و نفوذمان در ایران می‌باشد. ما تهیه کننده اصلی نیازمندی‌های نظامی شاه در دوران پس از جنگ جهانی دوم بوده‌ایم، مخصوصاً از سال ۱۹۵۵ و این همچنان به قوت خود باقی می‌باشد. به‌رغم خریدهای اخیر او از بریتانیا و ایتالیا و روسیه (وسایل حمل و نقل و تجهیزات ضد هوایی از کشور آخری). رئیس نظامی سرگروه مستشاری نظامی ایران برای شاه یک مشاور بسیار مطلوب و عینی و مطلع روی تجهیزات قدرت نظامی فردی و سازماندهی می‌باشد. نقش نظامی ما اهمیت تازه‌ای بعد از امداد اقتصادی و گروه امداد آمریکا که در سال ۱۹۴۷ به پایان رسید، داشته است. شاه بسیار گفته است که خواست اصلی او از آمریکا فروش تجهیزات پیشرفته‌ای است که او برای دفاع احتیاج دارد.»^{۳۶}

در اسناد لانه جاسوسی متن بعضی از قراردادهای نظامی و مستشاری به‌دست آمده است؛ اما در یک مورد که فقط چند بند از آن را نقل می‌کنیم اوج وادادگی و خودتحقیری شاه نمایان است؛ به نحوی که مستشار آمریکایی همه کاره نیروهای مسلح ایران می‌شود و هرکس را که خواست می‌تواند اخراج کند و وزیر ایران باید بله قربان گوی او باشد:

«از آنجایی که متن همه قراردادهای نظامی در سفارت موجود نیست، فقط به متن یک قرارداد نظامی که در

۳۶- همان، ج ۱ ص ۳۵۸



سال ۲۲ شمسی یعنی اوایل حکومت دیکتاتوری محمدرضای خائن با آمریکا از طرف ژاندارمری بسته شده است، اکتفا می‌کنیم.

لازم به تذکر است که این قرارداد زمانی منعقد شده است که دولت ایران زیر سلطهٔ امپریالیسم سیاه انگلیس بوده و نفوذ آمریکا در ایران تازه شروع گردیده بود: «بنابر تقاضای دولت ایران از دولت کشورهای متحد آمریکا و به استناد قانون استخدام افسران آمریکایی برای ژاندارمری، مصوب ۱۳۲۲/۷/۲۸، رئیس جمهوری کشورهای متحد آمریکا اجازه داده‌اند که هیئتی از افسران و درجه‌داران و متخصصین ارتش کشورهای متحد آمریکا که تعداد افسران آن از ۸ نفر تجاوز نخواهد کرد، به منظور اصلاح ژاندارمری طبق مواد ذیل منصوب شوند.

حال به ذکر چند بند مهم اکتفا و بقیه را به جهت اطلاع همگان به مطبوعات عرضه می‌کنیم.

مادهٔ بیستم: وزیر کشور ایران، رئیس هیئت را به سمت مستشار وزارت کشور، عهده‌دار امور ژاندارمری به ریاست کل تشکیلات ژاندارمری دولت شاهنشاهی ایران برای مدت این قرارداد تعیین خواهد نمود و رئیس هیئت بر همهٔ افسران ژاندارمری شاهنشاهی ایران تقدّم خواهد داشت. مشارالیه مستقیماً عهده‌دار کلیهٔ اداره و کنترل ژاندارمری خواهد بود و حق خواهد داشت طبق مقررات انتصاب، ترفیع، تنزل یا اخراج هر خدمتگزار ژاندارمری به وزیر کشور پیشنهاد یا تصویب ایشان به موقع اجرا بگذارد و مقام



دیگری حق مداخله نخواهد داشت. نیز حق خواهد داشت هر افسر یا ژاندارم یا خدمتگزار ژاندارمری را با تصویب وزیر کشور منتقل و دوباره تعیین کند.

ماده بیست و یکم: دولت ایران موافقت می نماید تا زمانی که این قرارداد به قوت خود باقی است افسرانی از ارتش های خارجی دیگر یا کارکنانی از هیچ کشور دیگر برای خدمت در ژاندارمری شاهنشاهی ایران یا شعب آن که کارمندان هیئت نظامی کشورهای متحد آمریکا در آن خدمت می نمایند، استخدام ننماید.

ماده سی ام: نسبت به هر یک از کارکنان این هیئت که به طور صحیح و منظم و از روی صلاحیت ثابت شود که به جرم مداخله در کارهای سیاسی کشور یا تخلف از قوانین ایران مقصر است، هیئت وزیران حق خواهد داشت مقررات این قرارداد را که مربوط به چنین کارمندی باشد لغو نماید.

قرارداد به امضای محمد ساعد وزیر امور خارجه و دریفوس به تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ مطابق با ۵ آذر ۱۳۲۲ شمسی وزیر مختار آمریکا رسیده است.^{۳۷}

قراردادهای تحقیرآمیز به یک مورد بسنده نکرده است. شاه سعی می کرد از پیچیده ترین نوع سلاحها برخوردار باشد و طبعاً همراهان و جمع کثیری از کارشناسان و مستشاران نظامی را جهت آموزش و آماده سازی وارد کشور می کردند. در یکی از اسناد

۳۷- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش های سیاسی، ج ۱ ص ۹۶



هزینه یکی از قراردادهای شاه با عبارت کمی بیشتر از ۱۰ میلیارد دلار بیان شده است^{۳۸}؛ البته این بهای رسمی و اعلام شده و تنها بخشی از هزینه‌های نظامی شاه بوده است و مبالغ کلانی که جهت تأمین لوازم یدکی و آماده سازی تجهیزات و مبالغ هنگفتی که نصیب جیب دلان و واسطه‌ها و بعضی درباریان می‌شد هم اگر اضافه شود رقم، خیلی بالاتر از آن‌ها خواهد بود.

درباره تعداد مستشاران آمریکایی در ایران آمار و ارقام درستی در دست نیست و تعداد کمی سند برای اعلام دقیق تعداد مستشاران آمریکایی در ایران وجود دارد؛ اما در یکی از اسناد تعداد افسران کمیته مستشاری آمریکا در ایران را ۱۳۰۰ نفر اعلام می‌کند و خرج و هزینه این افراد که توسط دولت ایران پرداخت می‌شده را ۱۸ میلیارد دلار برآورد می‌کند. این ارقام به غیر از ارقامی است که برای خرید تجهیزات نظامی هزینه می‌شود. جالب است، در قراردادی که برای مستشاران آمده حقوق این افراد معاف از مالیات بوده است:

«اعضای هیئت، حقوق سالیانه خود را به پول رایج کشورهای متحد آمریکا به میزان زیر از دولت ایران دریافت خواهند کرد. رئیس هیئت ۴۲۰۷ دلار، معاون هیئت ۳۹۰۷ دلار، افسران دیگر هیئت هر کدام ۳۷۵۷ دلار، درجه داران جزء و افراد متخصص

۳۸- همان، ج ۱ ص ۹۱



۲۷۰۵ دلار. این حقوق باید در دوازده قسط مساوی، ماهیانه پرداخت گردد و هر مبلغ از حقوق ماهیانه هر یک از اعضای هیئت بنا به تقاضای او به دلار در آمریکا و بقیه به ریال (به نرخ رسمی) در ایران قابل پرداخت خواهد شد. حقوق اعضای هیئت از هرگونه عوارض و مالیات‌هایی که قبلاً یا در آینده چه از طرف دولت و چه از طرف تقسیمات اداری یا سیاسی تابعه دولت وضع گردد معاف و اگر در این موقع یا در طی مدت قرارداد مالیات جدیدی هم وضع شود که شامل حقوق این اعضا گردد، بایستی از طرف وزارت جنگ پرداخت گردد؛ به‌صورتی که میزان حقوق معینه برای هر عضو بدون کم و کسر عاید او شود. در هر حال هرگاه اعضای هیئت بخواهند خانواده خود را به ایران بیاورند هزینه سفر زن و فرزند تحت تکفل به عهده دولت ایران خواهد بود.»^{۳۹}

و همچنین هزینه‌های بهداشتی و درمانی مستشاران و خانواده‌هایشان برعهده دولت ایران است:

«دولت شاهنشاهی ایران هزینه بستری شدن در بیمارستان و معالجه پزشکی مورد احتیاج اعضای هیئت و خانواده‌هایشان را که ممکن است در ایران بیمار شوند تأمین و پرداخت خواهد نمود.»^{۴۰}

۳۹- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۷ ص ۵۰۵

۴۰- همان، ج ۷ ص ۵۰۸



طرح‌های مستشاری مختلفی در نیروی دریایی، هوایی و زمینی اجرا شده است که در هر کدام مستشاران و تسلیحات فراوانی به ایران آمده است؛ به نحوی که بودجه نظامی ایران و بسیاری از پول‌های حاصل از فروش نفت به جیب آمریکاییان می‌رفت.

طرح امنیتی IBEX

آمریکا برای داشتن اشراف اطلاعاتی امنیتی بر شوروی، یک سیستم فوق مدرن اطلاعاتی جاسوسی که به وسیله پایگاه‌های الکترونیکی خبرگیری و رادار و ماهواره‌ها اداره می‌شد به ایران تحمیل کرده بودند که ۱/۳ میلیارد دلار هزینه این سیستم در سراسر ایران بود. این سیستم از گشتی‌هایی که پایگاه‌های رادار دار و الکترونیکی هستند تا سیستم‌های ساده خبری و از پایگاه‌های کبکان و بهشهر گرفته تا هواپیمای پرنده آواکس را شامل می‌شد که حرکت موشک‌های شوروی و منطقه و انواع و اقسام علائم خبری و اطلاعاتی را گرفته و به طور متمرکز به وسیله امواج به آمریکا می‌فرستاد. مستشاری آمریکا و نیروی هوایی رژیم خائن شاه عهده‌دار اداره و اجرای این سیستم عظیم خبری بوده‌اند. این سیستم به نام سیستم **lbex** معروف است که دانشجویان خط امام در یکی از اطلاعیه‌ها آن را افشا کرده‌اند که در زیر اصل اطلاعیه آورده می‌شود:

اطلاعیه افشاگری شماره ۶

«بسم الله الرحمن الرحيم. ملت مسلمان ایران اکنون



كه انقلاب اسلامي ما به رهبري خميني بزرگ اوج گرفته، اسناد به دست آمده از سفارت سابق آمريكا مي تواند خطوط سياست جاسوسي و دخالت در امور ايران را روشن تر كند.

آمريكا در كشورهاي زير سلطه و همچنين ايران از همه امكانات سياسي، نظامي، اقتصادي و انساني در جهت حفظ منافع خود و دوام حكومت چپاولگر شاه خائن و كنترل منطقه به واسطه ايران و دولت هاي مرتجع عرب استفاده مي كرده است.

طرح مورد بحث، طرحي امنيتي است به نام IBEX (آي بکس) كه توسط O.E.C - سازمان ارتباطات و الكترونيك ارتش آمريكا - در ايران طرح ريزي شده است. طرحي كه با پول ايران و با سرمايه ملي و نيروي انساني ايران تهيه شده است. هدف آن كنترل الكترونيكي منطقه از فعل و انفعالات شوروي و حركت هاي انقلابي و حفظ امنيت داخلي ايران در جهت تحكيم قدرت شاه خائن و ادامه چپاول امپرياليسم آمريكاست. در اينجا به خوبي مي بينيم كه آمريكا با سلطه سياسي اقتصادي خود در ايران توانسته است نيروهاي نظامي و انساني و اقتصادي مملكت را در جهت منافع خود به استخدام درآورد.

در مورد اصل طرح، اطلاعاتي را كه به طور ناقص به دست آمده در اختيار مي گذاريم:

طرح IBEX در اوائل سال ۱۹۷۰ توسط O.E.C - سازمان ارتباطات و الكترونيك ارتش آمريكا - در



ایران ارائه شد و هدف آن جمع‌آوری اطلاعات از برون مرزها، سیستم خبرگیری، سیستم جمع‌آوری و ارسال علائم، کنترل مرزها و کنترل و خبردهی سریع از تجاوز به مرزهاست و بالاخره استفاده از تمامی مسائل اطلاعاتی که بشود به طریق الکترونیکی متمرکز نموده و در یک کانال اطلاعاتی مستقیم بهره برداری شود. در این طرح به وسیله پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی، دریایی، هوایی، زمینی و هواپیماهای «رادار پرنده» نظیر آواکس و هواپیماهای عکاس، اطلاعات رد و بدل می‌شود. طرح IBEX در چهار مرحله طرح‌ریزی شده است و هزینه پروژه در بلند مدت که مقداری از آن ساخته شده است ۱/۳ میلیارد دلار است که رژیم ضدحلقی شاه رأساً از دسترنج رنجبران ملت ایران باید در حلقوم کثیف غول امپریالیسم می‌ریخت. اجرای طرح و همچنین هدایت و کنترل آن تماماً به واسطه مستشاران آمریکایی بوده است.

قسمت‌هایی از این طرح در دوران شاه خائن اجرا شده و پول آن نیز پرداخت گردیده؛ ولی بخش‌های دیگرش در آمریکا تأمین شده اما در زمان انقلاب طرح متوقف می‌گردد. دولت آمریکا به واسطه مزدورانش در ایران در صدد جلب نظر مقامات نظامی و سیاسی ایران برمی‌آیند تا بتوانند این طرح را دوباره بر ملت ما تحمیل کنند. همچنین تقاضای تصفیه حساب کرده‌اند که موفق به گرفتن پول نمی‌شوند. مسئول این طرح، قبل از انقلاب ژنرال هوایی، گُست،



است که از مزدوران خائن ارتش آمریکا در ایران و اجراکننده بسیاری از طرح‌های امنیتی و ضدخلقی آمریکا در ایران و منطقه بوده است. این پروژه توسط چند کمپانی آمریکایی طرح و اجرا شده است که عبارتند از:

شرکت‌های راک ول (Rockwell)، پان آم (PANAM)، فورد (Ford)، واکنگ تامسون (Tomson - Walking)، ای سیستم (System-E)، آی تک (ITeek)، سیلتچ (Syltech)، کوست (Quest)، تاج راس (Russ - Touch). در این شرایط آن‌ها تقاضای پرداخت بقیه صورتحساب‌های خود و نیز تعیین تکلیف طرح را دارند و دولت آمریکا به واسطه ژنرال گُست بعد از انقلاب کوشیده است با مقامات ایرانی راجع به این طرح به توافق برسد که موفق نمی‌شود. بعد از انقلاب تهدیدهایی توسط سایروس ونس به دولت ایران می‌شود که در صورت نپرداختن هزینه‌ها و تعیین نکردن طرح، آمریکا دو هواپیمای خریداری شده ۷۰۷ و نیز سیستم‌های کامپیوتری هواپیماهای ۷۰۷ را نخواهد داد. همچنین در ملاقات‌هایی که با دولت ایران بعد از انقلاب از طرف وزارت دفاع آمریکا شده است، آمریکایی‌ها پیش‌بینی کرده بودند که مقامات ایرانی حتما خواهند پرسید که ارتباط IBEX با CIA چیست و به مستشاران گفته بودند: «شما بگویید که هیچ ارتباطی ندارد.» گفتگوی فوق به خوبی رد CIA را در IBEX روشن می‌کند.



به احتمال قوی دو پایگاه الکترونیکی کبکان خراسان و پایگاه الکترونیکی بهشهر در ارتباط با این طرح است. این دو پایگاه که مستقیماً زیر نفوذ CIA و پنتاگون آمریکا بوده است همه نوع علائم و اطلاعات را جمع به موشک‌های شوروی و همچنین اطلاعاتی از فعل و انفعالات در منطقه را در نظر داشته است.

بعد از انقلاب یک هیئت پنج نفره به سرپرستی سرهنگ چارلز دبلیو اسکات به ایران می‌آیند که به‌عنوان هیئت مستشاری آمریکا در ایران فعالیت کنند. این پنج نفر ظاهراً مأمور دفتر دفاعی آمریکا که مسئول برآورد و تهیه قطعات یدکی است بوده‌اند؛ ولی طبق نوشته‌های به‌دست آمده سرهنگ اسکات مسئول امنیتی و به احتمال قوی تعیین تکلیف و برآورد وضع IBEX بوده است. وی و چهار دستیار او اکنون جزو گروگان‌ها هستند.

باتوجه به اطلاعات فوق، واضح است که آمریکا ما را وسیله به کرسی نشاندن مقاصد خود در منطقه کرده و هزینه این سیستم جاسوسی قوی را خلق محروم ما که زیر پنجه‌های خونین رژیم سفاک پهلوی جان می‌بخت پرداخته است و این در شرایطی بود که ملت مسلمان از ابتدایی‌ترین شرایط زندگی محروم بوده‌اند.

در نتیجه تنها در سایه مبارزه استقلال طلبانه مردم مسلمان ایران است که می‌توان با پیروی از رهبری قاطع انقلابمان، خمینی رهبر، مستضعفین کشور را از اسارت ابرقدرت‌های خون‌خوار و در رأس آن



آمریکای جنایت کار نجات داد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»^{۴۱}

ساواک

ساواک که مخفف عبارت «سازمان اطلاعات و امنیت کشور» است یکی از مخوف‌ترین و بی‌رحم‌ترین سازمان‌های امنیتی جهان بوده است. شکنجه‌های رایج آن تا حدی بی‌رحمانه بوده که در دوره‌ای که آمریکا ژست حقوق بشری و حمایت از حقوق بشر را گرفته بود، با انتقاد از کارهای ساواک، شاه ایران را تحت فشار قرار داده بود؛ اما به‌راستی چه کسی است که نداند این حجم از جنایت و سیاهی همه از خود آمریکا نشأت گرفته است؟

در اسناد لانه جاسوسی تصریح شده است که نظام امنیتی ایران در خدمت CIA است. ارتباط ساواک با آمریکا بسیار خوب و نزدیک می‌باشد:

«به این واقفم که در مورد بسیاری از روابطمان با ایران به‌طور کامل یا جزئی بی‌اطلاعم، به ویژه هنگام بحث با دیگران در سفارت درباره اینکه آیا منافع و تعهد در روابط با ایران به‌طور صحیحی سنجیده شده‌اند؟ اغلب به‌طور عجیبی جواب شنیده‌ام که ایران درحالی‌که مخاطره قابل ملاحظه‌ای برای خودش وجود دارد، برای آمریکا کمک‌های فراوان و امکانات وسیعی برای کارهای جاسوسی و اطلاعاتی

۴۱- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۱۴



فراهم کرده است. به صورتی مبهم می‌دانم که ایران به ایالات متحده اجازه داده است که از طریق ایران استراق سمع از کشورهای همسایه بکند و اینکه ارتباط کاری نزدیکی بین ساواک و سیا (SRF) وجود دارد.^{۴۲}

در سند دیگر که مربوط به بعد از انقلاب است و می‌خواهد از وضعیت شکنجه‌گران گزارش دهد که آیا می‌توانند علیه انقلاب فعالیت کنند یا نه، در آنجا تصریح می‌کند که تمام شکنجه‌گران در آمریکا بوده‌اند. و این به معنای این است که عناصر ساواک می‌توانند علیه انقلاب با آمریکا همکاری کنند:

«... بسیاری از کارشناسان ساواک^{۴۳} که با نظارت کنندگان سفارتخانه‌های خارجی همکاری می‌کردند، توانستند کار آنها را در دست بگیرند و این موضوع می‌تواند به ما فرصتی بدهد تا بتوانیم از آن در موقعیت‌های آرام‌تر استفاده کنیم. تمام این کارشناسان در آمریکا بوده‌اند.» (از نامه لینگن به زوییک مورخ ۶ آبان ۵۸)^{۴۴}

جدای از اینکه ماموران ساواکی در آمریکا و تحت

۴۲- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۳۴۷

۴۳- جالب است که برای شکنجه‌گران از کلمه کارشناس استفاده شده ولی منظور همان جانیانی است که جوانان انقلابی را به بدترین شکل ممکن شکنجه می‌کردند.

۴۴- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۹۰



تعلیم CIA بوده‌اند، ساختار ساواک که یک مسئله داخلی و مهم امنیتی است و باید از نفوذ هر بیگانه محفوظ بماند توسط یک آمریکایی طرح‌ریزی می‌شود. در سندی که به اختصار آمده است گزارش رو به رشد بودن بازسازی ساواک چنین آمده:

«از: وزارت امور خارجه آمریکا تاریخ: ۲ ژوئیه ۷۸، ۵۷/۴/۱۰ به: سفارت آمریکا - تهران طبقه‌بندی: سری موضوع: گزارش بازسازی ساواک گزارش پیشرفت‌های مطرح شده در پیام اگر به صورت کامل انجام پذیرد خیلی جالب خواهد بود.

لطفاً به این تماس‌ها به‌طور نزدیک‌تری ادامه داده و گزارش و نشانه‌هایی را که حاکی از تغییرات در سیاست یا کار ساواک است گزارش دهید.»^{۴۵}

در اسناد لانه جاسوسی آمده است که ساواک با نیروهای امنیتی ترکیه و موساد اسرائیل نیز ارتباطاتی داشته و یک سازمان امنیتی منطقه‌ای به نام «سه سر» را ایجاد کرده است. این نشان می‌دهد که ساواک با موساد هم ارتباطات قوی داشته است.

نیروهای مسلح بعد از انقلاب

طبق گزارشی که دانشجویان خط امام از اسناد مستشاری داده‌اند، گروهی از افسران و مستشاران نظامی آمریکا بعد از انقلاب و با لغو قراردادهای مستشاری، لباس دیپلماتیک بر تن کردند و با این



لباس به اعمال جاسوسی و امنیتی خود پرداختند تا به نوعی از مصونیت دیپلماتیک برخوردار باشند گزارش به شرح ذیل است:

«اما بعد از انقلاب، دولت موقت وجود مستشاری را که لغو حاکمیت ملی ایران بود، نپذیرفت و قراردادهای آنها را لغو کرد. آمریکا برای حضور مستشاری خود در ایران که به نام **Maag Armisn** معروف است دست به فریب جدیدی زد و دفتری به نام دفتر دفاعی یا دفتر امنیتی در سفارت تأسیس نمود که جنبه دیپلماتیک داشت و مشاور فنی و نظامی سفارت به حساب می آمد؛ لذا طبق قوانین بین المللی برای آنها پاسپورت دیپلماتیک گرفت و آنها می توانستند با برخورداری از مصونیت دیپلماتیک به کارهای مستشاری، جاسوسی، کنترل ارتش و همچنین مشاوره در امور خرید و ارائه و پیشنهاد قطعات ضروری تسلیحات ارتش مشغول باشند؛ بنابراین کوشش سفارت برای این است که افراد مستشاری خود را که در زمان رژیم شاه خائن از پاسپورت های عادی یا خدمت استفاده می کردند، با پاسپورت دیپلماتیک به ایران وارد کند تا بتوانند به راحتی فعالیت کنند. رئیس خائن مستشاری آمریکا در زمان رژیم، ژنرال سه ستاره نیروی هوایی، گست بوده که بعد از انقلاب هم گاهی به ایران می آمده است. بعدها یک افسر نیروی زمینی به نام سرهنگ چارلز سی اسکات را که جزو گروگانهاست، به عنوان رئیس مستشاری و تحت پوشش رئیس دفتر



دفاعی به ایران می‌فرستد و قبل از آن طی برنامه دقیق و حساب شده، به وی در ساختمان‌های CIA در اروپا و واشنگتن دوره‌های مخصوص اطلاعاتی راجع به وضع ایران می‌دهند.^{۴۶}

ارتش که سران خائن خود فروخته آن یا فرار کرده بودند یا توسط نیروهای انقلابی دستگیر شده بودند به نحوی تصفیه و همراه و یاور انقلاب شده بود. با توجه به اینکه خیانت و چپاول آمریکا را به خوبی لمس کرده بودند ضد آمریکا شده و حس تنفر در برابر آمریکا در آن‌ها زیاد شده بود، به نحوی که در گزارش ماموران CIA آمده است:

«در ارتش حس تنفر نسبت به بیگانه وجود دارد. در صورتی که شرایط در ایران و در ارتش بهبود نیابد، به احتمال زیاد در آینده نزدیک خطر خیانت وجود دارد و اگر این اتفاق بیفتد رهبری ارتش در جبهه ضد آمریکایی خواهد بود.»^{۴۷}

پر واضح است که آمریکا از اینکه ارتش، ضد آمریکایی شود ترس و واهمه دارد؛ لذا دوباره در پی نفوذ و عادی سازی ارتباطات برمی‌آید. برای نزدیک شدن دوباره به ارتش ایران در پی استفاده از حربه تحویل قطعات یدکی کم اهمیت بودند. آمریکا هیچ‌گاه قصد نداشت ابزار مهم جنگی را به ایران

۴۶- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۱۰۰

۴۷- همان، ج ۱ ص ۹۶



اسلامی تحویل دهد به نحوی که این مسئله باعث گله‌مندی‌های دولت موقت ایران به آمریکا شده بود. دولت موقتی که کاملاً با آمریکا همراه و هم‌راستا بود؛ اما در نظر آمریکائیان برای نفوذ می‌شود بعضی قطعات غیرمهم را به ایران تحویل داد. نکته مهم این است که در نظر آمریکا قطعات آمریکایی ناظر آمریکایی نیز می‌خواهد و با این حرف به دنبال نفوذ و سیطره دوباره به ارتش ایران بودند. سندهای زیر گویای این حقیقت است:

«چگونه روابط نظامیمان را توسعه دهیم؟ ایرانی‌ها در مورد سپرده مالیشان در مقابل فروش‌های نظامی سوءظن دارند. آن‌ها به قطعات یدکی و حفاظت تکنیکی نیازمندند؛ ولی برای مسائل سیاسی می‌ترسند که از ما تقاضا کنند. ما می‌خواهیم با قبول مسئولیت روی مسایل نظامی کار کنیم؛ تا اینکه به بازرگان قدرت دهیم و مطمئن باشیم که برای اوضاع آینده سیاسی مملکت دوستانی در ارتش داریم که ممکن است در معضلات سیاسی مملکت راهگشا باشند. برای در اختیار گذاشتن قطعات حساس به آن‌ها مطالعه کنید و آماده باشید قطعاتی که در سطح پایین هستند را در اختیار آن‌ها قرار دهیم. ما باید این موضوع را در نظر بگیریم که تحول و اصلاح ارتش و چگونگی مسلح شدن آن، احتیاج به فراگیری تکنیک‌های جدید ارتشی دارد و در هر صورت مهم است که رابطه طبیعی بین ما و فرماندهان ارتش



وجود خواهد داشت.»^{۴۸}

«ایران قابلیت‌های تکنیکی‌اش را تا حد درخور توجهی توسعه داده بود. با این حال هنوز از بالاترین تا پایین‌ترین سطح در هر قسمتی وابسته به تکنیک‌های خارجی می‌باشد. نه تنها تمام متخصص‌های خارجی بلکه بسیاری از متخصص‌های داخلی نیز ایران را ترک کرده یا لااقل جابه‌جا شده‌اند. جابه‌جایی بدون در نظر گرفتن مقام یا تخصص بوده است و دلیل آن تولید نداشتن است.»^{۴۹}

این وابستگی تکنیکی به یک کشور بیگانه سبب می‌شود کشور تابع باشد و از خودش استقلال عمل نداشته باشد. در فرهنگ دوره پهلوی این استقلال نداشتن چیز بدی نبود؛ ولی انقلاب که شد یکی از آن آرمان‌های مهم، استقلال از بیگانه بود.

مردم ایران می‌خواهند خودشان برای کشور تصمیم بگیرند و آن را اداره کنند؛ اما متأسفانه در دوره پهلوی به نوعی استقلال کشور را از بین برده بودند که آمریکا بدون اجازه شاه ایران را در جنگ با ویتنام شرکت می‌دهند و بعد از انقلاب بعضی از اطلاعات مهم نظامی را به دولت رسمی کشور را اعلام نمی‌کند. شاید باور کردنی نباشد که آمریکا تصمیم بگیرد اطلاعات نظامی و تجهیزاتی که از ارتش ایران دارد

۴۸- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۹۷

۴۹- همان، ج ۱ ص ۹۴





را به دولت موقت تحویل ندهد. در سند زیر پنتاگون به صراحت اعلام می‌کنند که بعضی از اطلاعات مهم ارتش را به دولت موقت نرسانید و فقط بعضی را که درجه اهمیت کم‌تری دارند، به آن‌ها اطلاع دهید؛ یعنی اطلاعات نظامی ایران را طبقه‌بندی کرده‌اند و یک سری اطلاعات را آمریکا از کشور مخفی می‌کند و این چیزی جز حقارت نیست:

«محرمانه از: وزارت امور دفاعی واشنگتن به: MAAG-ARMISH تهران موضوع: راهنما برای حد افشای اطلاعات در ایران راهنمای فعلی مصوب ۱۲/۱۹۷۹ مارچ به ترتیب زیر است: مطابق با ۲۱ اسفند افشای اطلاعات محرمانه نظامی برای ایران که به ترتیبی که در زیر گفته می‌شود تغییر می‌کند:

زمینه:

الف: بحران سیاسی و نظامی که در این تاریخ جریان دارد و انتظار می‌رود که برای مدتی ادامه داشته باشد، سؤالی را برای ما در رابطه با توانایی دولت موقت ایران برای حفظ اسرار محرمانه نظامی دولت آمریکا مطرح می‌کند.

ب: این احتمال می‌رود که اطلاعات محرمانه نظامی که قبلاً برای دولت ایران آشکار بود مورد مخاطره قرار گرفته باشد. دولت ایالات متحده ادامه این مخاطره را به هیچ‌وجه در زمان حاضر نمی‌تواند قبول کند.

ج: در موقعیت فعلی حداقل اطلاعات ممکن



می‌بایست به دولت ایران داده شود.
خود این مطالب هم قابل افشا برای دولت ایران
نمی‌باشد.»^{۵۰}

اما حالا و با پیروزی انقلاب و استقلال کامل نظامی
ایران دیگر هیچ بیگانه‌ای نمی‌تواند استقلال سیاسی
و نظامی ایران را به مخاطره بیندازد. سپاه قهرمان و
ارتش مقتدر ایران هر روز در پی یک موفقیت جدید
نظامی و تسلیحاتی‌اند و همه این‌ها به‌خاطر این بوده
است که چشم از بیگانه شستیم و بر پای خود تکیه
کرده و به اقتدار رسیدیم.

۵۰- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و
پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۱۹



فصل چهارم

سیطره و تسلط بر امور خارجه

ایران با توجه به دو ویژگی از لحاظ بین‌المللی برای آمریکا مهم بود:

۱- ایران یک کشور مسلمان در خاورمیانه و بین کشورهای اسلامی است.

۲- با کشورهای تحت حمایت و نفوذ شوروی مثل افغانستان و پاکستان همسایه است.

این دو ویژگی سبب می‌شد که ایران از این حیث برای آمریکا مهم باشد؛ زیرا در بین کشورهای مسلمان که منبع اصلی تأمین انرژی دنیا و خصوصاً آمریکا محسوب می‌شود، آمریکا منافع زیادی دارد و از جهت دیگر رژیم غاصب صهیونیستی در میان



کشورهای اسلامی با غضب کشور مسلمان اعلام موجودیت کرده بود و به نوعی حفاظت از این رژیم غاصب نیز بر عهده آمریکا است. در میان کشورهای اسلامی اگر قدرتی مثل ایران از اسرائیل حمایت کند یا همکاری داشته باشد سهم بسزایی در وجهه جهانی این رژیم خواهد داشت.

در رابطه با مسائل کشورهای شرقی مثل افغانستان که تحت نفوذ شدید شوروی بود و همچنین پاکستان و هند که در کشمکش جدایی و استقلال بودند ایران می‌توانست در تأمین منافع آمریکا نقش مهمی ایفا کند.

این ضرورت‌ها سبب شده است که سولیوان به عنوان سفیر آمریکا در ایران برای استیفای این منافع وقت بسیاری را صرف کند و با شاه و وزیر امور خارجه رایزنی‌های زیادی داشته باشد:

«اکثر بحث‌های طولانی من با شاه در ماه‌های اخیر در مورد مسائل منطقه‌ای بوده است. همچنین در مورد همین مسائل بحث‌های بسیار زیادی با خلعت‌بری، وزیر امور خارجه، داشته‌ام. من از این بحث‌ها نتیجه می‌گیرم که سیاست خارجی ایران مسئولانه و سازنده است و اینکه ما می‌توانیم با تأثیرگذاری بر آن به همین صورت نگاهش داریم. در نزاع اعراب و اسرائیل، در اقیانوس هند، در عدم ازدیاد سلاح‌های اتمی، در شاخ آفریقا و آفریقای جنوبی، ایران نقش‌های



سازنده‌ای بازی می‌کند.»^{۵۱}

جالب اینجاست که آمریکا مسئله تأسیس رژیم غاصب اسرائیل را نزاع عربی می‌داند و شاه هم از او می‌پذیرد. در حالی که در واقع یک مسئله‌ای کاملاً دینی و اسلامی است؛ چرا که به کشور و مردم مسلمان تجاوز و تعدی شده و بر هر مسلمانی دفاع از آن واجب است.

در یکی از اسنادی که به دست آمده، سیاست خارجی مورد نظر آمریکا برای ایران این چنین بیان شده است: «به دست آوردن موضع تعدیل شده‌ای برای ایران در منطقه، دولت ایران را برای ادامه برخورد تعدیل شده با درگیری‌های اعراب و اسرائیل و پشتیبانی‌اش برای مذاکرات صلح ما در خاورمیانه تشویق کنید.

... به ایران دستیابی به یک رابطه مثبت با اسرائیل از جمله صدور نفت به آن کشور را توصیه کنید.

... ایران باید با هر تغییر و تحول دوباره‌ای در پاکستان مخالفت کند.

از همکاری ایران با عربستان سعودی، عمان و هر عرب دیگری در مورد امنیت خلیج فارس حمایت کنید و در جریان تحولات امنیتی که در عراق و دیگر کشورهای همسایه پیش می‌آید قرار داشته باشید.

... یک همکاری متعهدانه با افغانستان، پاکستان

۵۱- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۶۷۴



و هندوستان را در زمينه‌هاي سياسي و اقتصادي تشويق كنيد.

... ايران را تشويق كنيد تا از سياست‌هاي اصلي ما در آفريقا حمايت كند.»^{۵۲}

با جستجو در اسناد به اين مطلب پي مي‌بريم كه اهداف منطقه‌اي آمريكا درباره رژيم غاصب اسرئيل به‌طور كامل توسط رژيم پهلوي اجرا شده است. در زماني كه ميان كشورهاي مسلمان و گروه‌هاي فلسطيني با رژيم اسرئيل جنگ برقرار بود و كشورهاي مسلمان، اسرئيل را به‌طور كامل تحريم کرده بودند، اين حكومت پهلوي بود كه در ظاهر اسرئيل را محكوم مي‌كرد و در باطن با اجراي خط لوله‌اي عظيم نفت به اسرئيل مي‌فروخت.

«ايران با وجودي كه اعمال اسرئيلي‌ها را در مقابل كشورهاي دوست عرب خود (شاه اردن و مصر و...) محكوم مي‌كند، روابط خصوصي خوبي با اسرئيل دارد و با اينكه تبادلات سفير بين دو كشور انجام نشده است، ولي پيام‌هاي جاسوسي و اطلاعاتي بين دو كشور به‌طور منظم رد و بدل مي‌شود و تكنيسين‌هاي اسرئيلي در بيشتر پروژه‌هاي كشاورزي و... مربوط به حال و آينده حضور دارند. بيش از ۵۰ درصد نفت اسرئيل

۵۲- همان، ج ۱ ص ۲۴



به واسطه ایران تأمین می‌شود.»^{۵۳}

و در سند دیگر:

«برای آمریکا و متحدان او اگرچه ایران یکی از اولین افزایش دهندگان قیمت نفت بوده و وجود ما را در این موضوع فراموش کرده ولی به هر حال ایران مقدار زیادی نفت برای آمریکا و متحدانش صادر می‌کند و بیش از ۸ درصد نفت وارداتی ایالات متحده از ایران وارد می‌شود و بیش از ۱۶ درصد نفت ایران برای اروپای غربی و تقریباً ۲۴ درصد برای ژاپن و ۷۰ درصد نفت اسرائیل از ایران تأمین می‌شود.»^{۵۴}

طبق این دو سند بین ۵۰ تا ۷۰ درصد نفت مورد نیاز رژیم اسرائیل برای تأمین انرژی توسط حکومت پهلوی تأمین می‌شده است.

ماجرای ویتنام

ویتنام در شرق آسیا و در فاصله بسیار زیاد از ایران قرار دارد. در یک مجادله عظیم با آمریکا وارد جنگ می‌شود که سال‌ها به طول می‌انجامد و تعداد زیادی از مردم به خاک و خون کشیده می‌شوند. در این میان حمایت دیپلماتیک ایران از آمریکا و همچنین کمک نظامی و مداخله در جنگ از آن مسائلی است که به راحتی نشان می‌دهد تمام مسائل وزارت امور

۵۳- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۲۶۸

۵۴- همان، ج ۱ ص ۴۲۶



خارجۀ ایران، توسط آمریکا مدیریت می شده است. محمدرضا پهلوی وقتی در مقام کسب قدرت و آزادی بیشتر از آمریکائیان است از حضور در ویتنام اسم میبرد: «... در اینجا شاه شروع کرد به توجیه و تغییر نظرها و گفت که او باید آزادی عمل داشته باشد و آمریکا باید به ایران که در قضیۀ ویتنام با آمریکا بوده است اعتماد کند.»^{۵۵}

و سند دیگر حاکی از آن است که:

«به خواهش ما ایران در کمیسیون چهار دولت در ویتنام شرکت کرد و به متفقین ما در ویتنام جنوبی تجهیزات نظامی تحویل داد.»^{۵۶} و در سند دیگر گفته شده است که ایران در ویتنام یک گروه پزشکی دارد.

در سند دیگر آمده است که:

«سرهنگ هاشم کامبخش به واسطۀ قابلیت در تکلم و نوشتن انگلیسی، مشارالیه مأموریت یافت که همراه با نیروی اعزامی ایران به ویتنام جزو اولین گروه فرماندهی بین‌المللی کنترل و نظارت باشد و هشت ماه در ویتنام ماند و از دولت ایران مدال گرفت!»^{۵۷}

پر واضح است طبق این اسناد، ایران در جنگ ویتنام حضور داشته است؛ در حالی که هیچ ربطی به منافع

۵۵- همان، ج ۱ ص ۳۴۶

۵۶- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۴۴۶

۵۷- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۷ ص ۳۴۷



بخش دوم

انقلاب در اسناد لائۀ جاسوسی



انقلاب در اسناد لانه جاسوسی

به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی در سال ۵۷ را می‌توان از دیدگاه‌ها و با تحلیل‌های متفاوتی بیان کرد؛ اما آنچه در این فصل به دنبال آن هستیم این است که از دیدگاه مأموران سفارت آمریکا، انقلاب ایران در سال ۵۷ چه تعریف و تحلیلی داشته است؟ از نظر اسناد به‌دست آمده در لانه جاسوسی، انقلاب مردم در سال ۵۷ توسط چه گروهی انجام شد و چه چیزهای را به‌دست آورده است؟

در بعضی از کتاب‌ها و فیلم‌هایی که درباره مبارزات انقلابی و عوامل وقوع انقلاب نگاشته شده از گروه‌های متفاوتی اسم به میان آمده است که همه را مؤثر در وقوع انقلاب می‌دانند و عمده آن‌ها عبارت‌اند



از: ۱. جبهه ملی که ملی گرایان ناسیونالیست مخالف مذهب مدنظر است. ۲. نهضت آزادی که اعضاء آن از لحاظ فردی مسلمان و قائل به خداوند و دین بودند ولی دخالت دین در مسائل سیاسی را به هیچ وجه قبول نداشتند. ۳. گروه های مارکسیستی و کمونیستی مثل چریک های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق (منافقین). ۴. گروه های اسلام گرای انقلابی که خودشان را به دور امام خمینی (رحمه الله علیه) جمع کرده بودند.

به راستی سهم این گروه ها در به نتیجه رسیدن انقلاب و برچیده شدن نظام پادشاهی و سلطنتی چقدر بوده است؟

آنچه از اسناد لانه جاسوسی به دست می آید این است که عامل اصلی بسیج توده های میلیونی مردم، جریان امام خمینی (رحمه الله علیه) بوده است و مردم با حرف ها و اعلامیه های امام راحل به خیابان ها می ریختند و جمعیت های بسیار زیاد را شکل می دادند. دیگر گروه ها نهایتاً در دانشگاه به اندازه ایجاد یک تجمع دانشجویی توان داشته اند. یا به روش های دیگر مثل مبارزه مسلحانه عمل می کردند.

امام راحل بود که مردم را به نحوی تهیج می کرد که از پیر و جوان و زن و مرد به خیابان ها بیایند و در مقابل نیروهای ارتش جان خود را نثار کنند. در یکی از اسنادی که در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۵۸ تنظیم شده است و این چنین آمده است:



«بسیاری از مخالفان خمینی منتظر یک نشانه تأیید از سوی آمریکا برای توطئه علیه خمینی می‌باشند. به گفته آن‌ها این عمل باعث اقدام آنان خواهد شد؛ اما آن‌ها و تقریباً تمام گروه‌های سیاسی که بالقوه با خمینی مخالفت می‌کنند چنان تحت تأثیر افسانه تسلط خارجی‌ها در امور داخلی ایرانیان می‌باشند و چنان از نظر سیاسی و داشتن برنامه‌های دیگری که ممکن است پیروی توده را جلب کند شکسته‌اند که همچنان در اثر شکست، خود میدان را برای خمینی خالی خواهند گذاشت. جنبش خمینی دقیقاً از این جهت به پیروزی رسیده که او قادر بود اکثریت توده داخلی را بسیج کند و اسلام را به اکثریت توده ارائه دهد و بدین خاطر که خمینی آماده بود تا اینکه هر وقت مناسبی به دست آید پیش قدم شود.»^{۵۹}

ماموران CIA می‌دانند که دیگر گروه‌ها و احزاب هیچ‌گاه نمی‌توانند نظر قاطع مردم را جلب کنند تا علیه امام خمینی قیام کنند، از این رو با این گروه‌ها در اول کار همکاری نمی‌کنند. ماموران CIA به خوبی دریافته‌اند که تأثیر سخنان امام خمینی به حدی است که هر سدی را از سر راه برمی‌دارد.

ماموران CIA با تحلیل دقیق ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب به درستی به این نتیجه رسیدند که:

«یک تحلیل از ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب،

۵۹- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۲ ص ۲۲۰



خمینی و دیگر آیت‌الله‌ها را در رأس می‌گذارد به همراه دیگر روحانیون شیعه که برای مجلس انتخاب شده‌اند و اکنون در حال تدوین قانون اساسی هستند. سپس نوبت ملاها می‌رسد که داخل دولت موقت، دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌ها و تشکیلات شبه نظامی قرار دارند و در درجه سوم من سیاست‌مداران را جای می‌دهم، مثل بازرگان، که توانسته‌اند خود را با ارزش‌های اسلامی غالب تطبیق بدهند و یک کنترل عاریه‌ای بر سکان تشکیلات دولت موقت یا شبه دولت از جمله صنعت نفت داشته باشند. درجه چهارم دزدان دریایی^{۶۰} که فرماندهی گروه‌های شبه نظامی، پاسداران، کمیته‌های انقلاب را به عهده گرفته‌اند می‌باشد. در پایان ملاهای ساده جای می‌گیرند که به توده‌ها در دهات و شهرها خدمت می‌کنند که پشتیبانی متعصبانه آن‌ها بزرگ‌ترین منبع قدرت خمینی و آیت‌الله‌ها می‌باشد.» (از نامه جان کریو از روابط عمومی سفارت به تد کوران، آژانس اطلاعات بین‌المللی آمریکا واشنگتن، واشنگتن C.D) ۱۲ مهر ۵۸»^{۶۱}

امام خمینی و روحانیت در مرکز قدرت سیاسی ایران قرار گرفته‌اند و همه این‌ها به خاطر اسلام بود. مردم ایران اسلام را به‌عنوان دین و مذهب خود پذیرفته

۶۰- از آنجا که پاسداران انقلاب اسلامی دست آمریکا را از منافع و مراکز قدرت ایران کوتاه کرده بودند، به ناحق به عزیزان و حافظان امنیت و منافع ایران لقب دزدان دریایی دادند؛ ولی به‌واقع این لقب شایسته خود آنان بود.

۶۱- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۵۵



بودند و آن تعریفی از اسلام که «دین ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ماست» را به خوبی فهمیده و پذیرفته بودند. برای اجرای فرامین آن از مرجع تقلید خود یعنی امام خمینی (رحمة الله علیه) تبعیت کرده بودند. این تابعیت مردم از امام راحل، انقلابی را به ثمر نشانده که با پیروزی آن آمریکاییان با دلسردی و ناامیدی در تحلیل نتایج انقلاب این چنین نوشته‌اند: «این انقلاب و پیش آمدهای آن وضعیت ما را نابود کرد و افراد ما را پراکنده ساخت و سازمان و روش‌های ما را به هیچ و پوچ تبدیل کرد.»^{۶۲}

وقتی آمریکا متوجه شد که مردم ایران مسلمان بوده و بر طبق قوانین اسلام عمل می‌کنند، پژوهشگران آمریکا شروع به تحقیق دربارهٔ عنصر اصلی در ماجرای انقلاب کردند و به دو گزارش زیر رسیدند. برای اهمیت این دو گزارش عیناً متن کامل گزارش ارائه می‌شود. این دو گزارش فهم امریکا از دین و مذهب را بیان میکند و هیچ گاه دین مبین اسلام به بعضی از گزاره مثل بنیادگرایی، خشونت طلبی و رادیکالیسم متهم نخواهد شد، هدف از ذکر این دو سند این است که مردم بدانند، آمریکاییان قبول دارند که عامل انقلاب دین و مذهب بوده است، حال در تفسیر مبانی اسلام به خطا رفته‌اند که در جای خود مشخص است و ما در سدد بیان حقیقت اسلام نیستیم.

۶۲- همان، ج ۱ ص ۱۱۳



بررسی نهضت تشیع

این گزارش یک سال قبل از پیروزی انقلاب تهیه شده است.

ایران، بررسی نهضت تشیع (مسلمانان شیعی مذهب) «سند شماره (۹) از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۳ فوریه ۱۹۷۸-۱۴ بهمن ۱۳۵۶ به: وزیر خارجه، واشنگتن، دی - سی. دارای حق تقدم ۳۶۵۹ طبقه‌بندی: محرمانه تهیه کننده گزارش: لمبراکیس تهران ۱۶۹۱/۱ موضوع: ایران، بررسی نهضت تشیع (مسلمانان شیعی مذهب).

۱. (محرمانه - تمام متن)

۲. خلاصه: اگرچه اطلاعات موجود در این زمینه کافی نیست، ولی آنچه که می‌توان تا این تاریخ گفت این است که نهضت شیعی مذهب‌ها به رهبری آیت‌الله خمینی از سازمان یافتگی بهتری برخوردار است و برخلاف آنچه که دشمنان این نهضت بیان می‌دارند، اینان با داشتن زمینه فکری خاص قادر به مقاومت در برابر کمونیسم هستند. این امر در افکار مردم ایران ریشه‌ای عمیق‌تر از ایدئولوژی‌های غربی و حتی کمونیسم دارد. لکن رویه‌های حاکم جایی برای فشارهای روشن‌فکرانه ضد روحانیت که در صف مخالف وجود دارد ایجاد کند. که بیش از آنچه به نظر می‌رسد منجر به چیزی شبیه به جریان‌ات دمکراتیک غربی شود.

۳. همان‌طور که وزارت امور خارجه و دیگر



مخاطبین آگاه‌اند، مدتهاست در تلاش هستیم تا وسعت و عمق این نهضت نوظهور شیعی‌اسلامی ایران را درک کنیم تا بتوانیم در تحلیل‌ها و اتخاذ روشهای مان در آینده استفاده نمائیم؛ ولی مطالعات ما هنوز به مرحله نتیجه‌گیری و پایانی نرسیده است؛ اما خالی از فایده نیست اگر بتوانیم درباره این انقلاب در حال پیشرفت در ایران، در این مرحله بحرانی قضاوتی آزمایشی بکنیم.^{۶۳}

۴. ابتدا توانسته‌ایم تا این تاریخ مدارک کافی گردآوریم که منطقاً مطمئن باشیم که نهضت اسلامی در رأس انقلاب ایران قرار گرفته و رهبر فردی و سمبلیک آن آیت‌الله خمینی و سازمان‌های مرتبلی که از او حمایت می‌کنند، می‌باشد. سخن‌گویان حکومت ایران مدتهاست که پیروان خمینی را کمونیست یا چپ‌گرایانی از تیره مارکسیست‌ها می‌خوانده‌اند. دیگر ایرانیان مطلع از قبیل روزنامه نگاران، تجار و کارمندان دولتی نیز در این باره هم عقیده‌اند. اینان ادعا می‌کنند که از سال‌ها قبل جوانان کمونیست در مدارس مذهبی رخنه کرده و امروز به‌صورت ملاحا و دیگر سازمان دهندگان نهضت اسلامی عمل می‌کنند و دلیل این ادعای ایشان نیز این است که مذهبی‌های ایران به‌خصوص و مردم ایران به‌طور

۶۳- آمریکا از یک سال قبل از پیروزی انقلاب به دنبال شناخت مبانی فکری و بینشی انقلاب بوده است تا به جنگ با مولفه‌های اساسی و مهم برود و بتواند این حرکت دینی مردم را خنثی کند. به همین دلیل است که مبانی فکری و اعتقادی اهمیت زیادی دارد.



كلي از تشكيلات و سازماندهي سر در نياورده و نمي توانند يك چنين نهضتي را انسجام بخشند. مگر اينكه تنها گروه سازمان يافته در ايران يعني حزب توده، آنان را در اين راه ياري داده باشد.^{۶۴}

۵. اين مخالفان به نظر مي رسد كه در نادیده گرفتن نهضت اسلامي در بعضي موارد بيش از ناظران غربي تلاش مي كنند. در زمان دو شاه پهلوي، غرب گرايي مشروعييت و مقامي كسب كرده بود و توانسته بود خاطرات گذشته اسلامي را از اذهان بسياري از افرادي كه به مدارس غربي شده مي رفتند يا تحصيلات عاليه خود را در خارج از کشور مي گذرانيدند عملاً بزدايد. پس از كمال آتاتورك در تركيه و بعد از جنگ جهاني دوم، شاهان پهلوي دائم در تلاش بودند كه نهادهاي اسلامي را به عنوان بقايای ارتجاعی گذشته‌ای كه ديگر مناسب زمان حال نبوده و مطرود است به مردم بشناسانند. براي اينكه اين پيشگوييشان باور مردم شود، در اين زمينه گام‌هايي نيز برداشتند. مثلاً حكومت سعی مي كرد كه از كمك‌هاي مالي مستقيم مردم به ملاها جلوگيري كرده و آنان را متكي به مستمري‌هاي دولتي نمايد.

۶۴- انقلاب مردم ايران به رهبري امام خميني مبتني بر اصول و مباني تماماً اسلامي بوده است؛ ولي دستگاه شاه به دنبال اين بود كه تمام اين حركت‌ها را به نام كمونيست‌ها تمام كند. حال اينكه امام خميني نه شرق كمونيست را قبول داشت و نه غرب ليبرال. اعتقاد و خواست او تماماً اسلام بود و شاهد اين مسئله هم دشمني دو ابر قدرت شرق و غرب با ايران اسلامي بوده است.



به وسیله دورکردن و جداسازی ملاحا تا حد امکان از انظار عموم، به تمسخر گرفتنشان، به بند کشیدن بسیاری از رهبرانشان در زندانهای ساواک و اصرار بر این که ایران باید آینده‌ای غیر مذهبی داشته باشد، شاهان ایران سعی داشتند که ایران را به اجبار از طریق یک مرحله غربی شدن که شامل جدایی حکومت از مذهب باشد که در اروپا طی طریقی چند صد ساله داشت، بگذارند.^{۶۵}

۶. معذالک، بر همه روشن است که اسلام عمیقاً در زندگی اکثریت وسیعی از مردم ایران ریشه دارد و به صورت تشیع قرن‌ها است که ناسیونالیسم ایرانی نام گرفته، قبل از آنکه حتی پای ناسیونالیسم امروزی به شرق رسیده باشد. خاندان پهلوی سعی داشت ناسیونالیسمی امروزی‌تر براساس بازگشت به سنتها، افسانه‌ها و عظمت قبل از اسلام را جانشین این ناسیونالیسم کهنسال نماید؛ البته اگر این تلاش به مدت چند دهه یا چند قرن بی‌رقیب می‌ماند حتماً

۶۵- یکی از شبهاتی که از سال‌ها قبل نسبت به دین و مذهب مطرح بود این بود که دین با پیشرفت و ترقی مخالف است و به ناصواب به دین لقب ارتجاعی بودن می‌دادند. این اعتقاد سبب شده بود که شاهان پهلوی به شدت با مظاهر دینی به جنگ پردازند. از حجاب بانوان تا حوزه‌های علمیه و حتی مجالس اهل بیت را به تعطیلی کشانند؛ درحالی که اساساً دین به رشد و پیشرفت و کسب علم دستور اکید داده است و نمونه آن هم رشد و پیشرفت ایران اسلامی است که با وجود اینکه حکومت دینی است در عرصه‌های علمی زیادی مثل ماهواره‌ها و نانو زیست فناوری نوین و... جزو کشورهای برتر دنیا است.



موفق مي‌شد. اين موفقيت نيز تنها از طريق ايجاد نهادهائي كه بتوانند در ميان مردم ريشه دوانده و به رقابت با اصول تشيع اسلامي برخيزند به وجود مي‌آمد.^{۶۶}

۷. ولي خاندان سلطنتي پهلوي رفرميست از همان اوان با مقاومت يك ايدئولوژي غربي ديگر يعني كمونيسم نيز روبرو شدند. پارلمان نوپا و ديگر نهادهاي حكومتي در اواخر سالهاي ۱۹۴۰ و اوائل دهه ۱۹۵۰ تقريباً تحت تأثير غربي سازي به روش كمونيسم قرار گرفتند. مبارزه توأم با موفقيت شاه فعلي عليه آن مقاومت و مجذوب شدن وي در ايجاد ايراني مدرن، غير مذهبي و صنعتي او را در مورد مقاومت دير پاي اسلام و تأثير آن بر مردم كور كرده بود. درحالي كه تمام تلاش‌هاي او شخصاً متوجه تاسيس يك ايدئولوژي ايراني بر اساس ۲۵۰۰ سال

۶۶- ناسيوناليسست به معنای ملی‌گرایی و وطن پرستی است و در آن نژاد و خون و قومیت عنصر اصلی است. تشیع یک مذهب است و به هیچ کشور و خون و نژادی تعلق ندارد و در سرتاسر جهان شیعه وجود دارد و این‌گونه نیست که شیعه متعلق به ایران باشد. مردم ایران از سال‌ها قبل و مخصوصاً از دوران صفویه آرمان‌های ملی و نژادی خود را در مذهب تشیع یافتند و زودتر از همه اقوام جهان به تشیع گرویدند، به نحوی که تشیع جزء فرهنگ و نژاد ايراني قرار گرفت. شاهان پهلوي اين حقيقت مهم و اساسي را باور نکردند و برای مقابله با آن شروع به تبليغ باستان‌گرایی و برگزاري جشن‌هاي ۲۵۰۰ ساله کردند تا شايد مردم ايران دست از تشيع بردارند؛ درحالي كه مردم ايران هم به تاريخ كهن و اصالت خود پاييند بودند و هم به دين و مذهب خود تعلق خاطر داشتند و برای هر دو كه در واقع يك چيز واحد شده بود حاضر به جان فدا كردن بودند.



شاهنشاهی ایرانی «و رسیدن به تمدن بزرگ» شده بود و به نظر می‌رسید که کمی هم پیشرفت کرده باشد؛ ولی امروز به وضوح می‌توان دریافت که تمام این اعمال باعث عمیق شدن تنفر مسلمانان شیعه و گسترش مخالفت طبقات مختلف مردم نسبت به رژیم گشته بود. امروزه حتی فارسی سخن گفتن شاه نیز به مسخره گرفته می‌شود. چون شاه هنگام کاربرد کلمات فارسی دچار اشتباه می‌شود و این نیز در نظر مردم دلیلی دیگر می‌شود برای اینکه بگویند که او عامل و حافظ منافع خارجی‌ها است، نه مردم.

۸. از نظر تاریخی، علمای اسلامی پیدایش تشیع را به مقاومت در برابر حکام در چند مرحله زمانی نسبت می‌دهند. تشیع ابتدا نشانه مقاومت پارسی‌ها علیه مهاجمین عرب و مغول بود و به تدریج تشیع ایرانی جدا گردیده و قسمت اعظم آن بعد از آنکه حکام صفوی تشیع را مذهب رسمی دربار خواندند مخفی شد و به کارهای «زیرزمینی» اشتغال ورزید. بنا به گفته دانشمندان ایرانی این حکام نیرومند پارسی بعداً تشیع را به صورت نوعی تسنن درآوردند؛ یعنی از بعضی از نهادهای شیعی درخواست پیروی از شاه را نمودند. به عبارت دیگر قرار بر این شد که در غیاب امام دوازدهم شاه تصمیمات عرفی و غیر روحانی را اتخاذ نماید. هم‌زمان با این نیروی رسمی (صفوی) نیروی مقاوم غیر رسمی دیگری (علوی) به وجود آمد که متکی بر اصل اختفای تشیع کهن بود و اعلام





مخالفت و نبرد عليه حكام ظالم و فاسد را نمود.^{۶۷}

۹. نشانه بارز وجودی این دو نیرو را در ایجاد دو نوع مسجد و مقبره در بسیاری از شهرهای ایران، به خصوص از زمان فتحعلی شاه قاجار، یعنی آنها که توسط شاه ساخته و حمایت می شدند و آنها که مردم می ساختند و در آنها برای انجام فرایض دینی حاضر می شدند، می توان مشاهده کرد. ائمه جمعه ای که توسط شاه برگزیده می شدند تا بر مساجد شاه نظارت داشته باشند، مورد بی احترامی مؤمنینی واقع می شدند که خود به دنبال ملا و مجتهد خود می رفتند و از آنها پیروی کرده و زکات خود را نیز تنها به آنها می پرداختند. همین مقاومت «علوی» مخفیانه سرانجام در قرن ۱۹ به صورت نهضت تنباکو که نمایانگر مخالفت شدید مردم تحت رهبری روحانیت علیه اعطای امتیاز تنباکو که توسط شاه وقت به انگلیس بود، به صورت عصیانی آشکار پا به عرصه گذاشت و عامل اصلی نهضتی بود که در ابتدای قرن، منجر به وضع قانون اساسی در سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ گردید. با وجود اینکه شاهان پهلوی

۶۷- یکی از بزرگترین اشتباهات غربیان نسبت به تشیع این است که شیعه را وابسته به شاهان می دانستند؛ در حالی که در تشیع فقط اطاعت از امام معصوم را لازم می دانند و در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) اطاعت از فقها و علما را که جانشینان امام معصوم هستند لازم دانستند و حتی در دوره صفوی شاهان خودشان را مطیع دانستند. مثلاً در نامه های شاه طهماسب صفوی به علامه کرکی به صراحت اعتراف به ولایت علامه و کارگزاری خود برای او شده است.



سعی داشتند از آن یک عامل غیر فعال بسازند، ولی تشیع علوی قلب انقلاب امروزی است.^{۶۸}

۱۰. نهاد اسلامی از طریق بسیاری از وسایل آموزشی و سوادآموزی که قسمت اعظم جمعیت ایران را در طول چهار، پنج دهه گذشته تغییر داده تجدید قوا نموده است. رهبران مسلمان می‌توانند بسیاری از جوانان مسلمان تحصیل کرده را که ذفن تبلیغ و سازماندهی را در دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی فراگرفته‌اند، به سوی خود فراخوانند. حرکت اسلامی که در ابتدا مورد حمله کمونیسم قرار گرفته بود در طول دو یا سه دهه گذشته تا آنجا پیش رفت که می‌توان گفت در برابر این ایدئولوژی غربی مصونیت یافته است و در همان حال سعی بر آن داشته تا بسیاری از فرایض خود را به صورت امروزی‌تر و مناسب جهان حال امروزی در آورده، نقش تشیع را در حکومت ایران مشخص سازد.^{۶۹}

۶۸- شاهان و سلاطین بر مردم حکومت می‌کردند که مسلمان و شیعه بودند و دین به آن‌ها اجازه نمی‌داد افراد ناسالم و ضد دین را امور آن‌ها مسلط باشند؛ کما اینکه اجازه تسلط دشمنان بر مردم را نمی‌داند. شاهان دوره قاجار که به وطن‌فروشی و عیاشی مشهوراند، به نحوی بودند که علما به مخالفت با تصمیمات آن‌ها می‌پرداختند و این مخالفت‌ها همه در پی حفظ کیان کشور و مردم مسلمان بود و نهایتاً در انقلاب اسلامی ایران به اوج مبارزه با شاه رسید.

۶۹- خطری که خیلی زود دشمنان اسلام به آن پی برده بودند این بود که دانشجویان و عوام مردم ارتباط خودشان با علما و فقها را زیاد کرده و روحانیت توانسته بود نسل جوان را به سمت دین بکشاند. این ارتباط سبب می‌شد که منافع غربیان در ایران از چنگال آن‌ها خارج شود. این ارتباط که در بیان امام راحل به وحدت حوزه



۱۱. بنابه توضیحات رسیده از طرف دانشمندان اینجا، مروجین شیعی اسلامی نه تنها بر ارزش‌های تغییرناپذیر قرآن و سنت (گفتار و کردار پیغمبر) پافشاری می‌کنند، بلکه معتقدند که باید تعبیر و تفسیری نو از آن‌ها داده شود که مطابق تغییرات زمانی نیز باشد. آن دسته از اصول اسلامی که به نظر می‌رسد در این زمینه پویایی داشته باشند، عبارتند از «اجتهاد» یا تعبیر و تفسیر فلسفی حقایق جاودانی و «اجماع» یا توافق عام؛ یعنی اینکه بعضی از تعبیر و تفسیرهای جدید از طریق توافق رهبران مذهبی قانونی شناخته شده و می‌توانند به صورت قانون درآیند. به این ترتیب می‌توان گفت که نتیجه تسلط نظام روحانی به مردم ایران حداقل تا حدی مدرن ساز است و از منابع مالی خود نیز تغذیه می‌گردد و می‌تواند کانال‌های ارتباطی مخصوص به خودش را نیز بین مؤمنین برقرار سازد. دیگر شکی نیست که گروهی از تجار، بازار حمایت خویش را از رهبر مذهبی به وسیله پرداخت هزینه‌های مکرر و متوالی اعلام می‌دارند. هر هفته میلیون‌ها دلار میان آیت‌الله‌ها دست به دست می‌گردد. این منابع صرف بسیاری از کارهای شایسته و حمایت از نهضت می‌شود.^{۷۰}

و دانشگاه نامگذاری شد هرچه عمیق‌تر و قوی‌تر باشد به سعادت و پیشرفت و استقلال کشور کمک بیشتری می‌کند.

۷۰- عنصر اجتهاد که در تشیع وجود دارد اینکه در هر مسئله‌ای یا حادثه‌ای حکم دین توسط فقها کشف شود از آنجا که دین در مسائل حکومتی و اجرایی جامعه همیشه نظر داشته است فقها با کشف این احکام در هر مسئله جدید به ترقی و رشد دائمی جامعه



۱۲. نمونه‌ای از سازمان‌های مربوطه‌ی یک نظام مدرسه مذهبی است که ۳۲ سال قبل توسط یک آیت‌الله که هنوز هم زنده است پایه گذاری گردید و رفته رفته تبدیل به ۱۵۰۰ مدرسه از این نوع در سراسر ایران گردید. از نظر مادی این‌گونه مدارس کاملاً به وسیله بازاریان حمایت می‌شود. دانش آموزانی که از خانواده‌های مهم مذهبی، بازاری و... هستند، در این‌گونه مدارس نه تنها دروسی که در مدارس دولتی تدریس می‌شود، بلکه دروس ممنوع اعلام شده از طرف دولت را نیز فرا می‌گیرند. تلاش دولت نیز برای تصرف این مدارس آخرین بار توسط مقاومت شدید مذهبیون و بازاریان کاملاً درهم شکست. اساتید دانشگاهی و افراد تحصیلکرده بسیاری داوطلبانه در این‌گونه مدارس خدمت می‌کنند تا دانش آموزان علم و دانش کافی برای راه یافتن به دانشگاه کسب کنند. کتاب‌ها و کتابچه‌های بسیاری را که برای استفاده در این‌گونه مدارس تولید شده، بارها دیده‌ایم که خود نشان دهنده پیشرفت این سازمان در جامعه مسلمان ایران است.

۱۳. برای اثبات این ادعا که شبه نظامیان مذهبی همان کمونیست‌های لباس عوض کرده هستند، دلیل کافی در دست نیست؛ ولی می‌توان گفت که شاید

سرعت می‌دهند؛ به نحوی که در جامعه اسلامی و شیعی هیچ بن بست‌ی وجود ندارد مگر اینکه با عنصر اجتهاد راه درست و صحیح برای آن کشف می‌شود.



کمونیست‌ها در رده‌های پایینی اردوی خمینی رخنه کرده باشند. نهضت اسلامی آن‌طور که حکومت شاه و دیگر ناظرین غربی اعلام می‌کنند، نه ضعیف است و نه کور. تسلط آن بر احساس مردم و پول بازاریان بسیار قوی‌تر از هر گروه دیگر است. از بسیاری از جهات ایران اصلاح یافته و سنت‌گرایی را که اسلام نوید می‌دهد، ایرانیان جالب‌تر و جذاب‌تر از نمونه‌های روسی و چپی می‌یابند.^{۷۱}

۱۴. از طرف دیگر هیچ‌گونه تضمینی وجود ندارد که عملکرد (حکومت اسلامی - مترجم) بر اساس دموکراسی پارلمانی به مفهوم ما غربی‌ها باشد. درحقیقت عقیده «تقوی سالاری» در روش آن به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد که قدرت نیز در اختیار جمع باشد (همچنان که از اجماع بر می‌آید) تا اینکه دست فرد؛ یعنی حتی امام خمینی نیز نمی‌تواند خود در دست گیرنده قدرت باشد. بسیاری از اختیارات به وسیله یک شورای اسلامی اعمال خواهد شد؛ ولی از ساخت آن هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست. رهبران سیاسی احتمالاً بیش از ملاحا در برنامه‌های انقلاب تعیین خط مشی کرده و در

۷۱- غریبان با توجه به دین خود یعنی مسیحیت نسبت به جامعه و ظلم ظالمان هیچ دستوری ندارد. فکر می‌کردند که اسلام نیز همان‌گونه است و باورش‌شان نمی‌شد که مؤمنین به یک دین بتوانند تشکیلات و مبارزه را فراهم کنند؛ از اینجاست که همیشه در فکر این بودند که کمونیست‌ها در حال ادامه انقلاب‌اند. حال آنکه دین اسلام به ذات خود یک جریان پویا است و عامل از بین بردن همه ناسالمی‌هاست.





اجرای آن‌ها نقش خواهند داشت. به‌قولی پیشنهاد شده است که متخصص باید مورد قضاوت و داوری رهبران مذهبی قرار گیرد تا بتواند تخصص خود را در بخش‌های مختلف اقتصادی به کار بندد. بنابراین با یک نظر اجمالی چنین فهمیده می‌شود که مفهوم احزاب سیاسی در پارلمان غربی برداشته شده و جای آن را چند گروه گرفته است که از طریق تصمیم‌گیری غیررسمی و سنتی به توافق عمومی دست می‌یابند.^{۷۲}

۱۵. تمام آنچه متذکر شدیم در حال حاضر مبهم است و احتمال می‌دهیم که نهضت اسلامی نتواند به‌طور کلی در تشکیل حکومت خود از بسیاری از عقاید غربی که در بین جناح‌های مخالف نیز جریان دارد دوری ورزد. برای اثبات این موضوع نیز زمانی طولانی‌تر لازم است و در زمانی کوتاه نمی‌توان چنین نتیجه‌ای گرفت. در همان حال می‌توان انتظار داشت که یک نهضت از مرز انقلابی گذشته تشیع اسلامی بتواند مورد حمایت بسیار مردم قرار گیرد و احتمالاً بنای مخالفت را با کمونیسم به‌عنوان یک واردات خارجی و با بسیاری از جنبه‌های غرب‌گرایی، با تمام

۷۲- طرح حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه روش اداره جامعه است که اصلاً در فکر غربیان خطور نمی‌کرد. ضمانت اسلامی بودن حکومت وجود فقیه عادل و شجاعی است که بر امور کلی کشور نظارت داشته باشد.



قوا بگذارد. ۷۳ سولیوان» ۷۴

تجدید حیات و احیای بنیادگرایی اسلامی در ایران

این گزارش بعد از پیروزی انقلاب توسط پژوهشگران دانشگاه ماساچوست تهیه شده است.

تجدید حیات و احیاء بنیادگرایی اسلامی در ایران

«مؤلف: ویلیام. ای. گریفیث تاریخ: ۲۳ آوریل ۱۹۷۹
۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ محل: مرکز مطالعات بین‌المللی
مؤسسه تکنولوژی ماساچوست کمبریج، ماساچوست
موضوع: تجدید حیات و احیاء بنیادگرایی اسلامی در
ایران.

انقلاب ایران یکی از اصیل‌ترین تحولات دینی و سیاسی زمان ما را تشکیل داده است. این همان گرایش به بنیادهای اسلامی است که از اندونزی تا مراکش و از ترکیه تا آفریقای مرکز را در بر می‌گیرد. در کوتاه مدت این مسئله باعث مشکلاتی برای غرب خواهد شد؛ ولی در دراز مدت به علت وجود جمهوری‌های مسلمان نشین آسیای مرکزی ممکن است برای شوروی خطرناک‌تر باشد.

۷۳- در سال ۵۶ آمریکا فهمیده بود که نهضت مردم ایران به رهبری روحانیت و امام راحل در حال پیروزی است، لذا برای شناخت این دین به تحقیق و پژوهش فراوان دست زدند تا با شناخت دین اسلام بتوانند به آن ضربه بزنند. در بخش بعد درباره این مسئله بیشتر توضیح خواهیم داد.

۷۴- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۱ ص ۶۸۵ تا ۶۸۸



مدل غربی تجدد و ترویج صنعت و حاکمیت عقل طبقه روشنفکر سوفسطایی و توده‌های مصرف کننده، موفقیت‌های قابل توجهی در چندین جامعه غیر غربی کسب کرده است، از جمله ژاپن، کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور؛ ولی همه این نفوذها در محیط‌هایی با فرهنگ چینی و کنفوسیوسی بوده‌اند. فرهنگ‌هایی که شکست نخورده‌اند و مورد افتخار مردم می‌باشند و در عین حال این نظام فرهنگی شامل یک سری اخلاقیات است نه یک دین واضح و آشکار. با این وجود در خود چین سه تشنج شدید به وقوع پیوسته است: ۱. آشوب‌های تای پینگ. ۲. مشت زنان. ۳. انقلاب فرهنگی که نشان داده‌اند نتایج اقدامات اخیر چین در بازگشت به مدرنیزه شدن باید هنوز مورد شک و تردید باشد. برای سایر دنیای عقب‌مانده، تجدد به طریقه غربی جالب، بیزار کننده، مطلوب و مردود مورد مدح و انزجار است. اکثر جهان سوم بعضی از نتایج آن را مانند فراوانی و وفور تحرک اجتماعی، پیشرفت در تکنولوژی و نتیجتاً استقلال حتمی کشور را مورد تمجید قرار می‌دهد و نتایج دیگرش را مانند رد امکان شناسایی (خدا)، فساد، اصالت ماده، بی‌اعتنایی به اخلاق، رقابت بی‌رحمانه و فن‌سالاری را رد می‌کند. هرچه تجدد سریع‌تر، فسادانگیزتر و بیشتر توأم با تبعیض باشد (خصوصاً در شهرهای بزرگ)، مردود شناختن آن نیز با خشونت بیشتری همراه خواهد بود. قیام‌هایی که علیه تجدد به سبک غربی صورت گرفته، اغلب توأم با حیات دوباره دین و جمعیت، سنت و اتحاد



گروهي در مقابل «آشكار شدن راز زمانه» به اصطلاح ماكس وبر بوده‌اند. جمعيتي جديد و رهبراني روحاني مطلوب هستند. اين قيام‌ها، دردمند، خواستار تركيه و ارتجاعی به معنای واقعی هستند؛ زیرا می‌خواهند به اصول گذشته آرام باز گردند و آن را اختیار کنند تا بر غربت و اضطراب حال پیروزی یابند.

قيام عليه تجدد به سبك غربی امروز خصوصا در جهان اسلام شدت دارد. اسلام خیلی بیشتر از یک دین است. اسلام یک سیستم جامع نظم اجتماعی و سیاسی است که به صورت مجموعه قوانین درآمده و قرآن و شریعت آن را ارائه می‌کنند. اسلام در زندگی مسلمین جامع‌الاطراف و مرجع است. سنن اسلام در رابطه با جماعت و رعایت مساوات بوده و بر عدالت اجتماعی شدیداً تأکید می‌گردد. اسلام زندگی شخص را از لحظه تولد تا مرگ به عنوان یک نفر و عضو هر گروه اجتماعی از خانواده گرفته تا کشور را در بر می‌گیرد و به آن شکل می‌دهد. (در واقع جمعیت اسلام «امت» به قدری جامع است که مفهوم مردم و کشور در مقام مقایسه با عالم اسلام نارسا می‌باشد.) اسلام نه به نظریه پیشرفت عقیده دارد و نه به تمایز بین خدا و قیصر، کلیسا و حکومت؛ چون که محمد هم حاکم دنیوی بود و هم دینی و جانشینانش خلفا و (برای مسلمانان شیعه، ائمه) نیز همین‌طور بودند. بنابراین اسلام بیشتر از ناحیه تمدن جدید غربی مورد خطر قرار دارد.

تاکنون موج‌های متناوبی از حرکت‌های بنیادطلبانه



اسلامی به وقوع پیوسته است؛ از جمله فرقه وهابی در عربستان قرن هجدهم (که خانواده حاکم سعودی مظاهر اصلی آن هستند)، سنوسی در لیبی و اخوان المسلمین در مصر اواخر دهه ۱۹۲۰ و پس از آن. از همه اخیرتر آنکه تلاش‌های خاورمیانه‌ای برای تلفیق اسلام با تجدد، اغلب اوقات از نوع سوسیالیستی به سبک غربی مانند «سوسیالیسم غربی» ناصر که حتی از جانب بسیاری از طرفداران پیشینش عمدتاً شکست خورده تلقی می‌شود. از طرف دیگر بسیاری از اعراب، اگر نگوئیم اکثرشان، اسرائیل را نه تنها غیرمسلمان تلقی کرده‌اند؛ یعنی مظهر یک دین تحمل شده اما پست تر، بلکه پیروزی‌های آن را نیز پیروزی‌های یک حکومت غربی تحت رهبری نخبگان بی‌دین غربی فرض کرده‌اند. بالأخره عربستان سعودی و لیبی که از درآمد نفت ثروتمندند، قویاً تبلیغات بنیادگرایانه اسلامی را تأمین نموده‌اند. بدین ترتیب آن‌ها جاذبه آن را تقویت نموده‌اند، هرچند که مسلماً ایجادکننده آن نبوده‌اند. بنابه تمامی دلایل فوق، اسلام در حال حاضر بار دیگر همه نیروها و احساساتش را جمع‌آوری می‌کند تا به سنت دیرینه‌اش در قیام علیه بی‌عدالتی و حکام بی‌دین، جامعه عمل بپوشاند.

زمینه ایدئولوژیک رادیکالیسم اسلامی در ایران ایران دو سنت عمده سیاسی دارد که در خاورمیانه بی‌نظیر است و آن شاهنشاهی قدیمی پارسی و اسلام شیعی می‌باشد. شیعه از قدرت مبارزه و قیام بیشتری



عليه واليان دنيوي نسبت به سني ها برخوردار است. اين برتري باز مي گردد به قتل حسين، امام سوم و فرزند علي (داماد محمد پيامبر و بنیان گذار شيعه اسلام) در نبرد كربلا که به دست يزيد خليفه سني در قرن هفتم انجام شد و نمونه اصلي شکست عدالت به دست یک مستبد گرديد (شاه غالبا به عنوان يزيد زمانه خوانده مي شد و بزرگ ترين تظاهرات سال ۱۹۷۸ عليه او در سالگرد همين نبرد كربلا اتفاق افتاد). در سال ۸۷۴ ميلادي بنابه روايات شيعه اثني عشري امام دوازدهم محمدالمهدي ناپديد شد، يعني به «غيب» رفت. از آن تاريخ کليه ولايت هاي دنيايي نامشروع يا از لحاظ مشروعيت در مقايسه با ولايت دنيايي و ديني مجتهدين (مقامات ديني مهم که اينک معمولاً به آنها آيت الله اطلاق مي شود) که تقليد از آنها فرض است، لااقل پائين تر بوده اند و علاوه بر آن یک مجتهد است که اغلب به نام مرجع تقليد شناخته مي شود، درست همان چيزی که امروزه آيت الله خميني است.

در ابتدای قرن شانزدهم، سلسله صفويه بنا به انگيزه های ناسيوناليستي و ضد عثمانی، شيعه را به عنوان دين رسمي کشور انتخاب کردند. از آن پس «علما» توانستند موقعيت خودشان را به مراتب بيش از زمان اسلام سني تقويت کرده و تشكيل بدهند. تشيع معتقد به استقرار حکومت الهی جهانی و رهبری برگزیدگان است و بين خير و شر شديدتمايز مي گذارد؛ اگرچه علمای شيعی از نظر



خداشناسی دچار رکود و سکون بوده‌اند، ولی عرفا و فلاسفه شیعی و صوفیه که از آن میان می‌توان از ملاصدرا (متوفی ۱۶۴۰) نام برد، معتقد بودند که متفکرین خاصی (اولیاء) می‌توانند و باید دیدگاه‌های امام را بیان دارند و بدین ترتیب حتی در زمان غیبت نیز به سوی کمال روند. آن‌ها می‌پنداشتند که دیدگاه‌های آن‌ها یعنی دیدگاه‌های برگزیدگان معدود «انسان کامل» (یعنی حکام حکیم نو افلاطونی یا بنیان‌گذار یک حقیقت باطنی در صوفیه) نه تنها از حکام دنیایی بلکه از مجتهدها هم عالی‌تر است. این دیدگاه‌های خلاف کیش، مورد سرزنش علما قرار گرفتند. عقیده شیعه به فلسفه غیبت منجر به چند حرکت در جهت استقرار حکومت الهی جهانی که مخلوطی از صوفی‌گری و مخالفت با دولت مرکزی بود، گردید. مشهورترین این حرکت‌ها اسماعیلیه و شیخیه می‌باشند.

حرکت شیخیه ماهیتاً یک حرکت قرون وسطایی بود؛ یعنی در متن نارضایی عقلی اسلام قرار داشت، نه نظریات جدید ترقی فردی و اجتماعی. اما یکی از رهبران متأخر این فرقه، حاج محمد کریم خان کرمانی، نظریه تطّور اجتماعی تحت رهبری برگزیدگان را به افکار شیخیه افزود. یک تعبیر افراطی‌تر این نظریه از لحاظ اجتماعی بایه قرن نوزدهم (سلف بهائیت) بود.

فعالیت‌های سیاسی مدرن ایران به مراتب دو جنبه‌ای بوده‌اند. به این ترتیب که موافق تجدد ولی مخالف



تسلط غربیان و تمایز بین اسلام شیعه و میراث ایران قبل از اسلام در نتیجه چندین ترکیب به وجود آمد:

۱. اصلاح طلبان اسلامی: آن‌هایی که با صداقت سعی کردند اسلام شیعه را با جنبه‌های تکنولوژیک تجدید ممزوج نمایند.

۲. متجددین به سبک غربی که در عین حال که اسلام را انکار نمی‌کردند، سعی داشتند گذشته قبل از اسلام ایران را نیز با تکنولوژی امروزی غرب ممزوج نمایند (شاه و پدرش از این دسته بودند).

۳. متجددینی که عقیدتا مسلمان بودند؛ ولی عمدتاً متوجه مطابقت آن با تغییرات اجتماعی بودند، مانند سید جمال‌الدین افغانی و میرزا ملکم خان، آن‌ها که عمدتاً تحت تأثیر دوره روشنایی قرار گرفته بودند و در عین حال متأثر از فکر شیخیه و بایبه هم بودند. آن‌ها تکیه بر جنبه‌های نو افلاطونی و نخبه‌ای، عقاید خلاف کیش شیعه داشتند و اکثراً ناسیونالیسم ایرانی را عامل مهمی به حساب می‌آوردند. هر سه طبقه‌بندی فوق، همراه با علمای سنتی و هواداران بازاریشان که با تمایلات قاجاریه به غرب نیز مخالفت می‌کردند، با سیاست‌های ایجاد تمرکز آن سلسله مخالف بودند. بدین ترتیب اتحاد بین روشنفکران غربی و علما برقرار شد که منجر به جنبش تنباکو در انتهای قرن نوزدهم و بحران مشروطیت (۱۹۱۱ - ۱۹۰۵) گردید. در ۱۹۰۶ مشروطیت به علمای طراز اول حق وتو در مورد قوانین داد. قانونی که امروزه آیت‌الله خمینی از سر گرفته است. به علاوه تا قرن ۱۹ اکثر علمای



طراز اول در خارج از ایران زندگی می‌کردند، در جاهایی مانند کربلا و نجف در عراق که از مکان‌های مقدس شیعه می‌باشند و علت این امر استقلال از سلطه قاجار بود. در نتیجه، تبعید آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۶۳ به عراق و بعد پاریس در سنت شیعه امری کاملاً طبیعی و قانونی بود. خمینی به علت مخالفتش با حکومت مستبدانه شاه و روابط نزدیک او با آمریکا و اسرائیل در سال ۱۹۶۳ تبعید شد، درست همان کاری که آیت‌الله کاشانی در زمان مصدق و علما در سال ۱۹۰۵ در زمان مشروطیت انجام دادند.

۴. بنابراین فعالیت‌های سیاسی مدرن ایران، هم سنتی و هم غربی، هم دینی و هم ناسیونالیستی، هم اسلامی و هم قبل از اسلامی بوده‌اند که مشخصه آن طرز فکر خلاف شرع شیعه می‌باشد. نظریات اصلی فلسفه پیشین شیعه خلاف شرع مانند اعتقاد به سلطنت الهی آخرالزمان، امکان دستیابی به کمال، رهبری به دست برگزیدگان و تقیه در شکل دادن به این فعالیت‌ها سهم عظیم داشته‌اند. بدون آن نظریات نمی‌توان این فعالیت‌ها را درک کرد؛ حتی غرب‌زده‌ترین طرفداران این فعالیت‌ها، روشنفکران، خواهان رهبری برگزیدگان بوده‌اند که از استقرار دموکراسی در آن جامعه عقب افتاده و بی‌سواد مأیوس شده بودند و معمولاً چون می‌دانستند داشتن عقاید غیراسلامی موفقیتی کسب نخواهد کرد، متوسل به پنهان کردن مقاصد حقیقی خود یا حداقل، همان‌طور که در تاریخ اسلام مکرر روی داده، به طرز ریشه‌ای اسلام را «تفسیر مجدد» کرده‌اند. سایرین که



ضد غربی بودند با مراتب مختلف «تفسیر مجدد»، بر پیوستگی به اسلام سنتی تأکید داشتند.»^{۷۵}

۷۵- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۲ ص ۱۶۲